

آنها بود، و ۵۷۰۲۵ نفر کارمند ایرانی که جمعاً ۶۱۵۴۵ نفر بودند (۱۷۸) و به این ترتیب می‌بینیم که عده خانه‌ها و اطاق‌های موجود در حدود $\frac{1}{3}$ عده کارمندان بوده است و اکنون بپردازیم به دو مسئله دیگر، یعنی بهداشت و تربیت کارگران.

نخستین بیمارستان و درمانگاه شرکت بین سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۱۴ در مسجد سلیمان تأسیس شد (۱۷۹) پس از سال ۱۹۲۹ بیمارستان‌های آبادان و مسجد سلیمان و تأسیسات اضافی مجهز و درمانگاه متعددی در حوزه عملیات شرکت ایجاد گشت (۱۸۰)، این بیمارستانها، پس از تجدید قرارداد باز هم توسعه یافت و درمانگاه‌های تازه‌ای بنا شد. پس از تجدید قرارداد وضع بهداشت کارمندان و کارگران شرکت نیز بهتر از سابق گردید، بخصوص که یکی دو سال بعد از جنگ بین‌المللی اول، طاعونی از هندوستان به آبادان سرایت کرد و عده زیادی را تلف کرد. شرکت از این پیش‌آمد نگران شد و در صدد برآمد که آب لوله برای اهالی شهر تهیه و اصلاحی در وضع بهداشت شهر بنماید (۱۸۱) و از آن پس هر سال مبلغی برای تنظیف شهر و آسفالت کردن کوچه‌ها و خیابانهای آن می‌پرداخت. (۱۸۲) بعداً هم بر عده درمانگاه‌ها و تخت‌های بیمارستان آن شهر افزوده گشت، ولی ظاهراً قابله کافی در اختیار شرکت نبوده است، چه در اعتصاب ۱۳۲۳ یکی از تقاضاهای کارگران، استخدام چند قابله برای رفع احتیاج خانواده‌شان بود (۱۸۳) از طرف دیگر موضوع صرفه‌جوئی بحد اعلی در مسئله بهداشت هم کاملاً رعایت می‌شد، بطوریکه باعث تبعیض و

۱۷۸- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۲۲ و ص ۴۳۳ و ۴۳۴.

۱۷۹- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۰.

۱۸۰- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۸۲. برای اطلاع از وضع این درمانگاه‌ها رجوع

فرمائید به کتاب «طلای سیاه یا بلای ایران» ص ۳۲۵-۳۲۹.

۱۸۱- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۲۹.

۱۸۲- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۰.

۱۸۳- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۸.

آزردگی خاطر کارمندان شرکت می‌گشت. سازمان بهداری شرکت حتی احتیاجات کلیه مستخدمین و خانواده آنها را تأمین نمی‌نمود، به این معنی که درمان این عده در درمانگاه‌های شرکت رایگان، اما پذیرش در بیمارستان محدود به کارگران و کارمندان و خانواده‌های کارمندان بود و در مورد عملیات جراحی هم که فوریت نداشت می‌بایست نوبت بگیرند و چند ماه صبر کنند. وقتی که کافی نبودن وسائل بهداشت و فرهنگ و غیره را به اولیای شرکت گوشزد می‌کردند، جواب می‌دادند که يك مؤسسه صنعتی الزامی برای تهیه چنین وسائلی ندارد (۱۸۴) در صورتیکه ماده هفدهم قرارداد جدید نفت چنین بود: «کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تغذیه و اداره و مسائل صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ الصحة معموله در ایران در تمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضاء و عملجات خود که در حوزه امتیازیه کار می‌کنند برعهده می‌گیرد (۱۸۵) آنها این مسائل را از وظایف دولت می‌دانستند و حال آنکه نمایندگان سازمان بین‌المللی کار در این باره چنین اظهار نظر کرده‌اند: «مسائلی که در نواحی نفت خیز پیش آمده، ناشی از عملیات شرکت است که آنها را بوجود آورده است». دولت تاکنون هزینه‌های بسیاری در نواحی مزبور به مصرف رسانیده و دیگر نمی‌توان انتظار داشت که مبالغ زیاده‌تری و کوشش بیشتری صرف کارگاه عظیمی بنماید که شرکت موجد آن بوده است (۱۸۶) در موقع خلعید، شرکت ۱۰۲۷ تخت در نه بیمارستان و سی‌ونه درمانگاه داشته است (۱۸۷) که برای هر هزار نفر کارمند ۲۴ تخت

۱۸۴- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۴۹ و ۴۵۰.

۱۸۵- نفت در دنیا - ایران ص ۱۳۵.

۱۸۶- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۵۰.

۱۸۷- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۴۲.

و برای هر هزار نفر کارگر ۱۴ تخت در آبادان، و در ناحیه معادن برای هر هزار کارمند پانزده تخت و برای هر هزار کارگر هفت تخت در بیمارستان بوده است. در آبادان نظر به زیادی بیمار و وضع بد مسکن و احتیاجات خانواده‌های کارگران و مردم آبادان این مقدار بیمارستان و تخت هرگز کفافی نمی‌داد (۱۸۸).

تعلیم و تربیت کارگران:

نخستین بار که مراکزی برای تربیت کارگران و آموختن فنون مختلف به آنها از طرف شرکت نفت تأسیس شد، از سال ۱۹۲۳ بود و این کار بعد از ۱۹۲۹ بالنسبه توسعه یافت (۱۸۹) پس از تجدید قرارداد، شرکت در آبادان یک آموزشگاه فنی ساخت که دیپلمه‌های مدارس متوسط را در آن پذیرفته پس از چهارسال تحصیل به آنان درجه مهندسی می‌داد. یک آموزشگاه حرفه‌ای شبانه‌روزی هم در آبادان دایر کرد که محصلین پس از پایان تحصیلات ابتدائی وارد آن شده پس از چند سال تحصیل و عمل کارگران فنی لایقی می‌گردیدند. بموجب ماده شانزدهم قرارداد جدید، شرکت منعهد شده بود که با موافقت دولت طرحی برای افزایش کارکنان ایرانی خود تنظیم و اجرا بنماید و در مدت کمی ایرانیان را بجای خارجیان بگمارد. البته این کار مستلزم تربیت عده زیادی کارگر ماهر و هزینه بسیار بود که شرکت بنابر اصل «صرفه‌جویی بحد اعلی» و در عقب نگاه داشتن ایرانیان قلباً به آن تمایلی نداشت و حاضر نبود که خرج زیادی برای تربیت ایرانیان بنماید و دولت هم در مقابل شرکت کوتاه آمد. نتیجه این امساک آن شد که در ایام جنگ شرکت مجبور گشت متخصصین مورد احتیاج خود را از چکوسلواکی، دانمارک، یونان، سوئیس و فلسطین استخدام کند تا با عجله زیاد برنامه جنگی را به اتمام

۱۸۸- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۵۰.

۱۸۹- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۸۲.

رساند (۱۹۰). در موقع خلع‌ید ۳۳۳۹۲ نفر از مستخدمین ایرانی شرکت کسانی بودند که در ایران تحت تعلیم و تربیت بودند تا به مقام بالاتر برسند. عده‌ای هم از ایرانیان در انگلستان به تحصیل علوم عالی مشغول بودند (۱۹۱) در این باره باید گفت که از حدود سال ۱۳۰۴ شرکت پذیرفته بود که هر سال دو دانشجوی ایرانی را برای تکمیل تحصیلات در رشته علوم مربوط به نفت به هزینه خود به انگلستان بفرستد و این تربیت تا انعقاد قرارداد جدید ادامه یافت. در سال ۱۳۰۵ امتحان مسابقه محصلین داوطلب برای اعزام به دارالعلم بیرنگام به خرج کمپانی نفت جنوب انجام شد و از نه نفر داوطلبان، دو نفر حائز درجه اول شدند و قرار بود تا یک ماه بعد به انگلستان اعزام شوند (۱۹۲). سال پیش از آن نیز دو تن قبول و از طرف شرکت اعزام شده بودند (۱۹۳). در سال ۱۳۰۶ نیز پنج نفر در مسابقه شرکت کرده و پذیرفته شده بودند (۱۹۴). در آن قرارداد ضمن ماده‌ای گنجانیده شد که شرکت نفت هر سال ده هزار لیره برای هزینه تکمیل تحصیلات دانشجویان ایرانی بپردازد (۱۹۵). وزارت مالیه در سال ۱۳۱۶ از محل اعتبار مذکور در بند ۴ از ماده ۱۶ قانون امتیاز نفت انگلیس و ایران، سیزده نفر دانشجو را برای فراگرفتن علوم به صنایع نفت به دانشگاه‌های انگلستان اعزام داشته است. دانشجویان مذکور بر طبق دستور به کمیته‌ای که به ریاست مأمور دولت شاهنشاهی در تحصیلات دانشجویان مزبور نظارت داشت هریک در رشته‌ای که

۱۹۰- پنجاه سال نفت ایران ص ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۹.

۱۹۱- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۴۳.

۱۹۲- اطلاعات ۱۲۲۵۹، ۳۳۲۳، ۴۶۲: رضا فلاح دیپلمه سال ۱۳۰۴ دارالفنون و ابوالحسن خان راجی محصل سال ششم مدرسه متوسطه ثروت.

۱۹۳- اطلاعات ۱۲۰۰۲، ۴۵۳۲۴: فتح‌الله نفیسی و عباس پرخیده شاگردان سال ششم شعبه علمی دارالفنون.

۱۹۴- اطلاعات ۱۲۶۰۱، ۴۷۳۲۴: شیوا و سریدنی محصل سال ششم دارالفنون.

۱۹۵- پنجاه سال نفت ایران ص ۵ و ۶ - نفت در دنیا - ایران ص ۱۳۵.

نقض عهد و تخلفات شرکت:

نقض عهد و تخلفات شرکت و عدول آن از مقررات قرار اول - نخستین نقض عهد و تخلف شرکت از مفاد قرارداد، عقد قرارداد محرمانه‌ای بود با دولت انگلیس که نفت مصرفی نیروی دریائی آن دولت را به قیمت نازل در اختیار وزارت دریاداری انگلیس قرار دهد (۲۰۱) در تاریخ ۲۹ مه ۱۹۱۴ در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت، درباره این قرارداد گفته شد که: قرارداد بین شرکت و وزارت دریاداری و به مدت سی سال و مأخذ محاسبه قیمت نفت این بوده است که اگر شرکت عواید اضافه بر مبلغ لازم برای پرداخت سود سهام مرجح و ده درصد سود سهام عادی داشت، حداقل قیمت مزبور معادل ۲۵ درصد عواید اضافی خواهد بود (۲۰۲) هر چند از این مطلب چیزی دستگیر نمی‌شود و به معما بیشتر شبیه است تا به یک مطلب اقتصادی صریح که بین دو ملت مشترک است، ولی پیدا است که در این سی سال اگر قرارداد تمدید نشده باشد - همه ساله به مقدار هنگفتی نفت ارزان به نیروی دریائی انگلیس داده شده است، در حالی که بر طبق امتیاز داری ۱۶ درصد از سود خالص شرکت سهم ایران بوده و این قرارداد درآمد ایران را به میزان هنگفتی پائین می‌آورده است و خسارت فوق العاده‌ای به ملت و دولت ایران می‌زده است. وقتی که

۲۰۱ - پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۴.

۲۰۲ و ۲۰۳ - پنجاه سال نفت ایران ص ۴۴۳ - و شاید بتوان گفت که شرکت همه ساله از تجارت عادی خود می‌توانست سود سهام مرجح و ده درصد سود سهام عادی را بپردازد و گرنه ادامه کار آن دشوار بود تا چه رسد به ترقی شرکت و افزایش سرمایه پس نفتی که به وزارت دریاداری انگلستان می‌داد معادل ربع قیمت بازار بود، یعنی شرکت این مقدار را مایه کاری می‌فروخت (پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۵) دولت انگلیس مصرا نه از افشای این تخفیف خودداری می‌کرد. تنها آستن چمبرلین در ۱۹۱۹ گفت قیمتی که بموجب قرارداد دریاداری برای سوخت پرداخت می‌شود متناسب با افزایش منافع از حد معینی کاهش می‌یابد و بنابه حساب دیگر سود سهام، این تخفیف کلی، و دریافت سهام دنباله پاورقی در صفحه بعد

معین شده بود می‌بایست به تحصیل مشغول شوند و پس از پایان تحصیلات لااقل در حدود مدتی که در انگلستان به تحصیل اشتغال داشته‌اند، موظف بودند در مؤسسات شرکت نامبرده در ایران خدمت نمایند (۱۹۶).

در همان موقع خلعید، بیش از ربع کارگران شرکت سواد داشتند و بر طبق مقررات قانون کار، شرکت کلاسهای اکابر در همه مراکز عملیات خود ایجاد کرده بود و سعی می‌شد که کارگران خواندن و نوشتن بیاموزند. کارگرها بامیل بدین کلاسها حاضر می‌شدند، بطوریکه در موقع خلعید، قریب پنج هزار کارگر در کلاسهای مزبور درس می‌خواندند (۱۹۷) افسوس که شرکت با کارگران و کارمندان ایرانی خود خوش رفتاری نمی‌کرد و با تبعیضات ناروا عموم کارمندان ایرانی خود را عصبانی و رنجیده می‌ساخت، بطوریکه عده‌ای از ایرانیان که به خرج شرکت به شرح فوق تحصیلات عالی خود را در دانشگاههای انگلیس به اتمام رسانده و پس از بازگشت به استخدام شرکت درآمده بودند، بواسطه اینگونه تبعیضات، خدمت شرکت را ترك گفتند (۱۹۸). ولی آیا همه می‌توانستند این کار را بکنند؟

ضمن کارهای آموزشی خود شرکت ابتدا چند دبستان هم در آبادان و مسجد سلیمان ساخت و به «وزارت معارف» تحویل داد. بعداً هم چند مدرسه ساخت و در اختیار وزارت فرهنگ گذارد (۱۹۹) بطوریکه در موقع خلعید چهل و هشت دبستان و دبیرستان در مراکز مختلف عملیات شرکت آماده و مهیا بود (۲۰۰).

۱۹۶ - اسامی دانشجویان مزبور از این قرار بود: مرتضی صمصامی مهاجر، سعید نقوی، هوشنگ افشاری، احمد ارشد، بابگن گریگوریان، تیرانداز مزدیسنی، منصور جاوید، علی اکبر نیکخواه، احمد واحدی، ابن ملک یعقوب، شکرالله مختاریان، ابراهیم انتخابی و کارنیک توماس (اطلاعات ۳۲۴۳، ۱۶۶۱۳ و ۳۲۴۴، ۱۶۶۱۴).

۱۹۷ - پنجاه سال نفت ایران ص ۴۴۳.

۱۹۸ - پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۶.

۱۹۹ - پنجاه سال نفت ایران ص ۳۱۱ و ۴۳۲.

۲۰۰ - پنجاه سال نفت ایران ص ۴۴۳.

دولت هم به این امور اعتراض کرد، سفارت انگلیس به دولت ایران اظهار کرد که این معامله فقط یک ترتیبی برای فروش نفت است و بهیچ وجه دولت انگلستان نه در اداره کردن امور شرکت و نه در روابط تجاری و سیاسی شرکت با دولت ایران دخالتی خواهد داشت (۲۰۳).

در صورتیکه اعتراض این بود که چرا این معامله زیان بار با نیروی دریائی انگلیس شده است، مگر آنکه سؤال شامل شرکت دولت انگلیس در شرکت نفت هم بوده باشد، که جواب مطابق سؤال است، ولی بهر حال کتمان حقیقت شده است.

دومین نقض عهد و تخلف و بلکه خدعه و نیرنگ شرکت این بود که برای اینکه سود کمتری به دولت ایران بدهد، نفت خامی را که استخراج می کرد، از قرار هرتن یک شیلینگ ونیم که خیلی نزدیک قیمت تمام شده آن بود، یا معادل آن به نام «نخستین شرکت بهره برداری» به شرکت نفت بختیاری می فروخت و بعد شرکت نفت بختیاری بدون هیچ تغییر و تصرفی همان نفت خام را از قرار تنی هشت شیلینگ و کسری به شرکت انگلیس و ایران می فروخت و به این کیفیت به ظاهر سود خود و ایران را پائین می آورد و از این گذشته، بیشتر مخارج شرکت در ایران را به حساب «نخستین شرکت بهره برداری» می گذاشت، تا باز هم از سود آن شرکت به ظاهر کاسته و سهم ایران کمتر شود (۲۰۴).

بقیه پاورقی از صفحه قبل

دولتی به حدود چهل میلیون لیره می رسید و به عبارت دیگر مجموع منافع واسطه و قابل وصول علاوه بر ساختن کشتی های تازه که قبلاً به آن اشاره شد، برای پرداخت هزینه برنامه کشتی های کوچک و بزرگ آن سال و برنامه های مربوط به تأسیسات سوخت گیری پیش از جنگ بین الملل اول کفایت می کرد (خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ ص ۱۹ و ۳۴) جرج- لنچاوسکی می نویسد: «... بدون شك میزان آن قابل توجه بوده و باعث کاهش منافع و تقلیل سود قابل توزیع شرکت می گردید (نفت و دولت در خاورمیانه ص ۱۰۱).

۲۰۴- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۴ - نفت در دنیا - ایران ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

سومین نقض عهد و تخلف شرکت این بود که به موجب فصل نهم قرارداد داری، صاحب امتیاز اجازه داشت که یک یا چند شرکت بجهت انتفاع از امتیاز خود تأسیس نماید. این شرکت ها به موجب همین فصل موظف بودند که تمام مسئولیت صاحب امتیاز را در عهده خود گیرند. از طرفی به موجب فصل دهم امتیازنامه «... شرکت مزبور (شرکتی که صاحب امتیاز تشکیل می دهد) و تمام شرکت های که ایجاد خواهند شد، موظف خواهند بود که از منافع خالص سالیانه خود، صدی شانزده به دولت علیه سال به سال کارسازی نماید.» دولت ایران خود را در سود حاصله از تمام شرکت های تابعه سهام می دانست، ولی شرکت حاضر به قبول این ادعا که صریحاً از امتیازنامه برمی آمد نبود (۲۰۵).

قابل ذکر است که شرکت علاوه بر آنکه در کمپانی های دیگر دارای سهام و نفوذ بود در ۲۸ شرکت نیز سهامی بین صد تا ۲۳٫۷۵ درصد داشت، که از آن جمله صد درصد از سهام ۲۲ شرکت بود که ایران را از سود همه آنها محروم می داشت، در صورتیکه ایران در سود همه آنها سهام بود (۲۰۶).

مبلغ دوهزار تومانی که شرکت از بابت نفت معادن شوشتر و قصر- شیرین و دالکی و بندر بوشهر می بایست هر ساله به دولت ایران بپردازد (۲۰۷) تا سال ۱۹۰۹ نپرداخت و چون، این بدهی به شانزده هزار تومان رسید، دولت به شرکت مراجعه و شرکت از پرداخت هر نوع وجهی خودداری کرد. دولت ایران تقاضای حکمیت نمود و شرکت از آن هم استنکاف ورزید (۲۰۸) و این چهارمین نقض عهد و تخلف شرکت بود.

در سال ۱۹۱۵ مأمورین آلمان یکی از لوله های نفت را به شرحی

۲۰۵- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۵.

۲۰۶- نفت در دنیا - ایران ص ۳۱ و ۳۲ و ۳۳.

۲۰۷- فصل چهارم امتیازنامه داری - جغرافیای اقتصادی کیهان ص ۲۶۶.

۲۰۸- جنگ نفت ص ۲۳.

که قبلاً گفته شد سوراخ کردند و بر اثر آن و اشکالات ناشیه از جنگ، دو سه ماه وقفه در کار شرکت ایجاد شد و شرکت از این بابت مبلغی بیش از ششصد هزار لیره از دولت ایران مطالبه می کرد (۲۰۹) در صورتی که حادثه اول در نتیجه اقدام يك دولت متخاصم بوده، نظیر سایر تلفات و زیانهای که آلمانها در حین جنگ به دشمنان خود وارد آوردند. وانگهی در اصل، بیطرفی و حتی حاکمیت ایران نقض شده بود، و از این گذشته برای جلوگیری از این قبیل اقدامات اصلاً به دولت ایران مراجعه نشده بود، و از همه مهمتر دولت ایران هر چند در این قضیه مسئولیتی نداشت، پیشنهاد نمود که موضوع بنابر فصل هفده به حکمیت ارجاع شود. شرکت با این پیشنهاد موافقت نکرد و خود را هم شاکی و هم قاضی دانست و وجوه مقرر را هم به ایران نپرداخت، تازه حسابدار قسم خورده انگلیسی اظهار نظر کرد که به فرض ایران هم مسئول قضیه باشد، بیش از بیست هزار لیره نمی توان از او گرفت و در مورد وقفه کارها هم رئیس شرکت در مجمع عمومی صاحبان سهام که در ۲۰ دسامبر ۱۹۱۵ منعقد شد اعتراف کرد که تعطیل کار بیشتر مربوط به فقدان وسائل نقلیه آبی بوده است که دولت انگلیس از رود کارون مصادره کرده بوده است (۲۱۰).

و این پنجمین نقض عهد و تخلفات شرکت بود. همین حسابدار سوگند خورده انگلیسی اظهار نظر کرد که شرکت از عایدات غیر خالص و جوهی من غیر حق و مبالغ مهمی بطور «اکلوم - تاکس» مالیات بر عایدات کسر می نماید (۲۱۱) در صورتیکه در امتیازنامه چنین چیزی ذکر نشده است و این ششمین تخلف شرکت بوده است و البته با این قبیل حساب سازیها و عملیات ناروا بود که شرکت در ظرف ۳۱ سال از ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۲ فقط ۱۱

۲۰۹ - جنگ نفت ص ۴۰ به نقل از مجله کاوه ش ۲۷ ص ۳ رجب ۱۳۳۶.

۲۱۰ - پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۴ - جنگ نفت ص ۴۰ - نفت در دنیا - ایران ص ۱۱۴ - خاورمیانه، نفت و قدرت های بزرگ ص ۲۷.

۲۱۱ - جنگ نفت ص ۲۴۰.

میلیون لیره به دولت ایران داد (۲۱۲) در صورتی که اگر دولت در ازاء تعیین حق السهم کلیه منابع نفت خود را به اختیار شرکت می گذاشت و فقط حقوق مالیاتی را دریافت می نمود از سال ۱۳۰۵ تا ۱۹۳۲ از بابت حق گمرکی تنها مبلغ نوزده میلیون و نود و هشت هزار و پانصد و نه لیره و شانزده شیلینگ درآمد او بود (۲۱۳) و نسبت به مجموع مدت هر دو قرارداد هم بنا به محاسبه فاتح معاون کل شرکت نفت مجموع سودی که در این مدت به صاحبان سهام پرداخته شده ۱۱۵۰۰۰۰۰۰ لیره و مجموع مالیاتی که در این مدت به دولت انگلیس پرداخته شده ۱۷۵۰۰۰۰۰۰ لیره و مجموع وجوهی که شرکت به عنوان توسعه کار خود از درآمد برداشت نموده ۵۰۰۰۰۰۰۰ لیره و مجموع حق الامتیازی که در تمام مدت امتیاز به دولت ایران داده است ۱۰۵۰۰۰۰۰۰ لیره بوده است (۱۱۴) که قطع نظر از فروش نفت ارزان به نیروی دریائی انگلستان، و بفرض اینکه سود سهام شرکتها و موسسات دیگر تابع شرکت هم محسوب شده باشد، سهم ایران بیش از هفت برابر و نیم وجوهی که در انگلستان به صورتی پرداخته شده است کمتر بوده است در صورتیکه به نسبت ۱۶ درصد ۶۲۵ باید باشد، از این رو باز هم مسئله بالا صادق نیست.

سوزاندن گاز :

يك رقم بزرگ دیگر زیانی که از ناحیه شرکت به ملت ایران می رسید، سوزاندن گاز نفت بود و آن نه گاز بنزین دار است، و با آن

۲۱۲ - جنگ نفت ص ۲۹ و باز همین حسابدار سوگند خورده بالصرحه اظهار داشته است که شرکت حقوق حقه دولت را بابت حق الامتیاز کاملاً نپرداخته و ۵۳۵۰۰۰۰ لیره کمتر پرداخته است (پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۶).

۲۱۳ - ایضاً پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۶ - کل درآمد دولت ایران از ابتدای استخراج نفت تا سال ۱۹۱۹ عبارت بود از ۱۳۲۵۰۰۰۰ لیره و درآمد دولت در سال ۲۰-۱۹۱۹ فقط ۴۷۰۰۰۰۰ لیره بود (پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۴).

۲۱۴ - پنجاه سال نفت ایران ص ۴۱۴ با اندک تصرف.

هنگفت را آتش نزند و عالماً به خود و ملت ایران زیان نرساند. در کتاب «طلای سیاه یا بلای ایران» این عمل را اینگونه توجیه کرده‌اند که «... هوای این نقطه قابل استنشاق بشود...» ص ۱۱۹، اما جای این سؤال هست که حالا که از آن گازها استفاده می‌شود، مگر هوای آن نقطه قابل استنشاق نیست؟

و اما پس از تجدید قرارداد، مهم‌ترین راه تخلف شرکت در موضوع به کار گماشتن ایرانیان بود. بموجب ماده شانزدهم این قرارداد طرفین تصدیق و قبول کرده بودند که «... حفظ حد اعلای منتج بودن و صرفه جوئی در اداره عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد. در صورتی که منافع طرفین بشرحی که گفته شد همواره یکسان و همراه نبود و با هم ملازمه نداشت. دیگر اینکه «... کمپانی صنعت گران و مستخدمین فنی و تجاری خود را به اندازه‌ای که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در ایران یافت شود، از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و... مستخدمین غیر فنی کمپانی منحصراً از اتباع ایران خواهند بود.» در حالی که در این قسمت هم اولاً هنوز در ایران آنقدرها صنعت گر و مستخدم فنی و تجاری نفت وجود نداشت و تازه مرجع تشخیص صلاحیت و تجربه داشتن صریحاً معین نشده است و اگر به اختیار شرکت گذاشته می‌شد، دست او در انتخاب یا رد اشخاص بکلی باز بود. در مورد فنی و غیر فنی هم میزان تشخیص معین نشده است. بنابراین شرکت می‌توانست در راه استخدام کردن ایرانیان ایجاد اشکال نماید، چنانکه زیرکانه این کار را کرد.

سوم اینکه «... طرفین موافقت نمودند که طرحی عمومی تهیه نمایند که برطبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده بجای آنها بطور تصاعدی در کوتاه مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند.» برای تهیه این طرح ویلیام فریزر معاون کل شرکت به تهران آمد و وزیر

می‌توان صنایع شیمیائی بزرگی را راه انداخت، از جمله کود شیمیائی و پلاستیک‌سازی و امثال اینها. و بموجب محاسبه‌ای که از طرف یکی از کارشناسان نفت ایران بعمل آمده از ابتدای پیدایش گاز در ایران تا کنون ۶۰ سال می‌گذرد و طی این مدت تقریباً معادل ۱۳۰ میلیارد متر مکعب گاز به حکم اجبار سوزانده شده و به هدر رفته است (۲۱۵) که از این ۶۰ سال هجده سال آن، پس از دوران قدرت انحصار شرکت نفت و بقیه مربوط به دوره فعالیت شرکت بوده است و این مقدار معادل است با ۸۹۶۲۸۸۷۰۰۰۰ ریال بشکلی که بهای آن به حداقل نرخ بین‌الملل ۸۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال می‌شود (۲۱۶) به حساب دیگر زبانی که از رهگذر سوزاندن گازهای نفت از تاریخ اکتشاف نفت در مسجد سلیمان تا تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۷ بنابر محاسبات دقیق کارشناسان به کشور رسیده از این قرار است:

در اثر استخراج ۱۹۲۵۰۰۰۰ تن متریک نفت ۱۰۶۲۰۰۰۰ ریال ۲۷۴۰۰۰۰۰ متر مکعب یا ۸۷۶۵۰۰۰۰ ریال ۱۷۵۰۰۰۰ فوت مکعب گاز استخراج شده و چنانچه قیمت هر هزار پای مکعب را ۵ سنت امریکائی فرض کنیم، قیمت کل گاز تولید شده می‌شود ۷۷۶۳۸۱۴۷۰ دلار و اگر دلار را ۷۵ ریال بگیریم قیمت گاز بر حسب ریال می‌شود ۵۸۲۲۸۶۱۰۰۰ ریال. مقدار گازی که در ۱۳۴۳ در مناطق نفت خیز جنوب ایران سوزانده می‌شد، روزانه هزار میلیون فوت مکعب بود که از لحاظ ارزش حرارتی برابر ۱۶۰۰۰۰ بشکه نفت و بیش از مجموع گازی بود که در امریکا برای تولید محصولات پتروشیمی به کار می‌رفت (۲۱۷) و این عمل که اگر از شخص عادی سربزند حکم به سفاهت او می‌شود، معلوم نیست از طرف اولیای شرکت چگونه توجیه می‌شد، زیرا شرکت توانائی علمی و مالی برای استفاده از گاز و فروش آن را داشت و می‌توانست این سرمایه

۲۱۵- کیهان ۷۵۶۷، ۴۷۷۲۲

۲۱۶- کیهان ۷۴۷۳، ۶۷۴۰۵

۲۱۷- کیهان ۸۲۵۸، ۴۹۱۱۵

مالیه وقت را در تنگنای گرفتار و نظر شرکت را به او تحمیل کرد و بجای تقلیل مطلق عده مستخدمین خارجی، تقلیل نسبی آنها را به دولت قبولاند (۲۱۸) پیدا بود که با توسعه صنعت نفت روز به روز بر کارگران عادی طبقه پائین شرکت اضافه می شد و بهمین نسبت هم می توانست مستخدمین خارجی خود را بطوری که تقلیل نسبی حاصل شود زیاد کند. خلاصه آنکه طرحی عمومی محدود به هشت سال تهیه شد و به امضای طرفین رسید (۱۳۱۵ شمسی) و قرار شد که پس از انقضاء مدت تجدید نظر در آن بشود. مهم این است که بعدها معلوم شد که طرح مزبور هم با متن ماده ۱۶ و هم با روح قرارداد منافات کلی داشته است. بموجب طرح مزبور شرکت موظف بود که:

- ۱- عدهای دبستان و دبیرستان در مراکز عملیات خود بنا نموده تحویل وزارت فرهنگ دهد که آنها را اداره نماید و این هر چند مفید بود ولی اختصاصاً ارتباطی بکارگران نداشت و یک امر عمومی بود.
- ۲- آموزشگاه حرفه‌ای و فنی برای تربیت کارگران ایجاد نماید.
- ۳- دانشکده فنی برای تعلیم و تربیت مهندسين ایرانی بنا نماید.
- ۴- سالی يك ميليون لييره به مصرف خانه‌سازی برای کارکنان ایرانی برساند.
- ۵- کمک‌های مؤثری هم به شهر آبادان و توسعه بهداشت در مناطق عملیات خود بکند (۲۱۹).

اما با همه اینها عده کارکنان خارجی شرکت چندان کاسته نشد زیرا نه تربیت کارمند و کارگر فنی کاری بود که به سرعت و به تعداد زیاد در ظرف مدت کمی صورت گیرد و نه شرکت به این کار مایل بود. نسبت درصد خارجیان با مقایسه به مجموع کارکنان شرکت از ۱۰٫۷

۲۱۸- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۱.

۲۱۹- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۱ و ۴۳۲.

درصد در ۱۹۳۴ به ۷٫۳ درصد در ۱۹۵۰ تقلیل یافت. در سال آخر فعالیت شرکت، ۴۵۰۳ خارجی و من جمله ۲۷۲۵ نفر انگلیسی در مقابل ۵۷۲۳۷ نفر ایرانی در شرکت کار می کردند. جرج لنچافسکی که این مطلب مأخوذ از کتاب اوست می نویسد: اگرچه کارکنان انگلیسی همه از اشخاص ورزیده و با صلاحیت بودند و بهیچوجه نمی شد آنها را زاید خواند ولی بدون شك ممکن بود شغل بسیاری از آنها را به ایرانیان سپرد. شاید چنین عملی باعث کاهش کارآئی می شد، ولی در هر حال زیان قابل توجهی به منافع شرکت وارد نمی گردید (۲۲۰).

در نامه‌ای که کارگران اعتصابی شرکت در تیر ۱۳۲۵ به نخست‌وزیر، وزیر دارائی، نمایندگان مجلس، مدیران جراید نوشتند در این باره چنین گفتند «... ما می دانیم که شرکت همواره متعذر به این است که ایرانیان از عهده کارهای مهم بر نمی آیند و ضمن این عنوان سعی می کنند که برتری نژادی خارجیان را به رخ ما کشیده و توهینی به ایرانیان بنمایند، ولی جواب این ادعای پوچ در خود امتیازنامه داده شده و آن عبارت از این است که به موجب طرح مخصوص شرکت باید ایرانیان را تربیت کرده و آنان را مهیا و آماده برای اشغال مقامات مهم بنمایند. علت حقیقی امتناع شرکت از استخدام ایرانیان و تکثیر عده آنها دو چیز است:

یکی آنکه آموختن کار به ایرانیان متضمن خرج است. دیگر اینکه شرکت به لحاظ يك سیاست غلط میل ندارد که کارهای حساس آن در دست ایرانیان باشد... (۲۲۱)

قسمت چهارم از ماده شانزدهم اینکه «کمپانی سالیانه مبلغ ده هزار لییره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم و فنون مربوط به صناعت نفت را فراگیرند تخصیص خواهد داد...» مجموع تعداد این

۲۲۰- نفت و دولت در خاورمیانه ص ۴۰۶.

۲۲۱- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۴۶.

قبیل دانشجویان در دوره پیش از مصدق تقریباً بالغ بر هشتاد نفر گردید (۲۲۲).

بی‌خیری شرکت :

از آنچه تا حال گفته شد معلوم می‌شود که شیوه شرکت اداره امور در جهت منافع تام سهام داران بوده است، بدون اینکه نفعی خارج از موارد ضروری و اجباری به‌ملت ایران برسد و در سایه آن آبادیهائی در این کشور پدید آید. و در این راه همه مقتضیات هم برای آن موجود و کلیه موانع مفقود بود. حتی آنقدر فکر اقتصادی و مال‌بینی هم بر اولیاء شرکت غلبه نداشت که بفهمند که هر چه حوزه امتیاز آنها آبادتر و کارگر آنها از لحاظ فنی آزموده‌تر و تعلیم‌دیده‌تر و از لحاظ زندگی کمتر دچار دست‌تنگی باشد، بازده کار و در نتیجه منافع مادی آن برای شرکت بیشتر است، تا چهرسد به مردم ایران. گوئی که او فقط نظر به کارگر ارزان داشت و بس. از این گذشته شرکت همه احتیاجات خود را هر چند که در ایران هم وجود داشت از خارج فراهم می‌ساخت: مواد خوراکی، نوشابه و اجناس خرازی از اروپا به ایران وارد می‌کرد، از مصالح ساختمانی، باینکه خود می‌توانست کارخانه سیمان دائر کند، و ایرانی‌ها هم به اینکار حاضر بودند، شرکت باز همه ساله هفتاد هزار تن سیمان از خارج وارد می‌کرد. و از این بدتر هر سال میلیونها آجر از عراق و مقادیر زیادی شن و ماسه از کویت خریداری و به ایران وارد می‌نمود. آیا اگر از نظر علمی ثابت نشود که آجر عراق و شن و ماسه کویت برای دوام و استحکام و صرفه ساختمان مناسب‌تر است و از جهت اقتصادی برتری و نفع کلی داشته است

براین عمل جز «عناد» می‌توان نام نهاد؟ بهر صورت فقط در سالهای آخر حیات خود بود که شرکت کوره‌های آجرپزی چندی در اهواز ساخت و شن و ماسه را از ناحیه شمال بندر معشور فراهم می‌نمود که خود جواب نقض فرض بالاست. و با آن همه احتیاجی که نواحی نفت‌خیز به میوه و سبزی داشت فقط در این سالها مزرعه کوچکی در آبادان و یکی دیگر هم در «درخزینه» نزدیک مسجد سلیمان احداث کرد که محصول آن را مستخدمین شرکت می‌خریدند و پیش از آن سبزه و تره بار آبادان از بصره می‌آمد (۲۲۳). با این اوصاف خیال می‌کنم کلمه «بی‌خیری» نامناسب نباشد.

بموجب آمار ذیل، بانک ملی میزان فروش ارزش شرکت را بین سالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ که برای مصرف ریالی به بانک فروخته شده است، به نسبت هزار لیبره، نشان می‌دهد (۲۲۴).

سال	ارز به هزار لیبره	سال	ارز به هزار لیبره
۱۳۱۹	۶۵۱	۱۳۲۰	۳۶۵
۱۳۲۱	۳۷۶	۱۳۲۲	۲۶۱۱
۱۳۲۳	۳۰۵۸۰	۱۳۲۴	۴۰۴۷۵
۱۳۲۵	۱۰۳۰۰	۱۳۲۶	۱۲۰۴۳۰
۱۳۲۷	۱۶۰۶۲۰	۱۳۲۸	۲۰۶۱۰

لابد در قبال این پولها بوده است که شرکت ادعا کرده است که در سالهای اخیر بابت دستمزد و حقوق کارکنان خود سالی سی میلیون لیبره

خرج کرده (مثل اینکه کارکنان شرکت می‌بایست مجاناً برای شرکت کار کنند) و یا آنکه هر سال مقادیر زیادی اسباب و لوازم و ماشین برای ترقی و توسعه صنعت نفت به ایران وارد نموده است (۲۲۵) (گوئی کارفنی و صنعتی بدون اسباب و وسایل هم اداره می‌شود و پیشرفت می‌کند) ولی این مطلب را که مورد تصدیق بسیاری از انگلیس‌هاست هیچ‌جا نمی‌گفت که «امتیاز نفت ایران یکی از بزرگترین منابع عایدی دولت و ملت انگلیس بوده و در سالهای بعد از جنگ اثر بسیار در تهیه دلار برای انگلستان و تأمین موازنه تجارتنی آن کشور داشته است (۲۲۶).

موجبات این وضع :

حال باید دید که چرا شرکت چنین رفتاری را در پیش گرفته بود. بدون مقدمه‌چینی و طول کلام باید گفت که وضع خاص ایران محیط مساعدی را برای اولیای شرکت بوجود آورده بود و مسئولین امور ایران در این جریان غالباً یا قاصر بوده‌اند یا مقصر - که از تقصیر خود باکی نداشته‌اند - یا نمی‌دانسته‌اند، و یا نمی‌خواستند با شرکت مبارزه کنند و حق ملت را بگیرند. در آغاز که امتیاز دهندگان واقعاً نمی‌دانسته‌اند چه بلائی را بجان ملت می‌اندازند و چه ثروت سرشاری را به‌چه بهای ناچیزی می‌فروشند و انگهی هنوز قیافه واقعی شرکت آشکار نشده بود. در جریان کاوش و کشف نفت، ایران گرفتار حوادث مشروطیت بود و همینکه نفت کشف شد، موضوع قرارداد ۱۹۰۷ وارد مرحله عمل گشت و در معنی اصل از دست رفت تا چه رسد به فرع. پس از آن به‌اندک فاصله جنگ بین‌الملل اول شروع و ایران با وجود اعلام بیطرفی عرصه تاخت و تاز نیروهای متخاصم شد و در خلال آن معاهده ۱۹۱۵ به‌امضاء رسید. پس از پایان جنگ بین‌الملل قرارداد ۱۹۱۹ و فعالیت‌های بعد از آن نگذاشت که ایران توجهی بحال نفت نماید. علی‌الخصوص که پس از جنگ جهانی

اول قدرت انگلیس در شرق روبه‌فزونی نهاد و با انقلاب روسیه حریف او از میدان ایران بدر رفت و آن دولت از مدیترانه تا اوقیانوس کبیر بدون رقیب و منازع به‌پیش‌بردن سیاست استعماری خود پرداخت و یکه‌تاز شد. از همه اینها گذشته اگر هم دولت ایران می‌خواست رسیدگی و توجهی بکار نفت بکند، نمی‌توانست، زیرا افراد متخصص و دانا و ورزیده در مسائل حقوقی و صنعتی و فنی و حسابداری نداشت و از اینرو حتی به حسابهای شرکت هم نمی‌توانست دقیقاً رسیدگی کند، زیرا کسی که از عهده این کار برآید در ایران نبود و یا اگر بود راهی به‌دستگاه دولت نداشت. درست است که به‌ظاهر به‌موجب فصل یازدهم امتیازنامه داری دولت یک نفر کمیسر در شرکت داشت، ولی وظائفی برای او معین نشده بود که نه ضمانت اجرا داشت و نه هیچ‌یک از کمیسرها اصولاً می‌توانستند در جهت حفظ منافع ملی از عهده آن برآیند، زیرا این مقام (۲۲۷) طرف شور صاحب‌امتیاز و مدیر شرکت‌ها بود و محض خیر هرگونه اطلاعات مفیده که داشت به‌آنها می‌داد و همه نوع راهنمایی به‌آنها می‌نمود که هیچ‌یک از این موارد در صنعت نفت طرف احتیاج شرکت و یا شرکت‌ها نبود و باز از وظایف این مقام بود که برای حفظ حقوق دولت متفقاً با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند بعمل آورد و این کار نیز احتیاج به همکاری و حسن‌نیت شرکت داشت و از اول معلوم بود که چنین امری بسیار دشوار و بلکه محال است و وقتی که پای نیروی دریائی انگلیس بمیان آمد دیگر جنبه سیاسی شرکت بحداعلی رسید و قطعی شد که کمیسرهای ایران تنها کارشان گرفتن مقرری سالیانه یکهزار لیره خواهد بود و پس. به‌رحال با این فصل و با این مقام دولت نمی‌توانست نظارت و کنترلی در کار نفت داشته باشد، علی‌الخصوص که در مورد شرکت‌هایی که داری اجازه یافت تشکیل دهد حقوق و مشاغل کمیسر

دولتی صریحاً در نظام‌نامه‌ای می‌بایست معین شود و از کجاکه چنین نظام‌نامه‌ای تدوین شده باشد و بفرض تدوین از کجاکه اجرا گردیده باشد. در قرارداد جدید این مقام باین صورت منظور شد که «... دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور «مأمور دولت شاهنشاهی» نامیده شده اختیارات ذیل را خواهد داشت:

- ۱- اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپانی است از کمپانی تحصیل نماید.
- ۲- در تمام جلسات هیئت‌مدیره و کمیته‌های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل روابط دولت و کمپانی تشکیل شده باشد حضور بهم رساند...

در قرارداد جدید مقرری کمیسر مزبور از بابت حقوق و سایر مخارج سالانه دو هزار لیره معین شده بود (۲۲۸).

این مقام کمیسر ابتدا به کتابچی خان که خود دلال امتیاز داری بود داده شد و او فقط دوره کاوش نفت در چاه سرخ را نظارت داشت (۲۲۹)، بعد به پسرش و آنگاه به عبدالعلی خان صدیقی السلطنه (۲۳۰) و بقول مرحوم عبدالله مستوفی رفته رفته «... کمیسری نفت هم یکی از مشاغلی شد که با آن بعضی از حول و حوش درباریها را خشنود می‌کردند. این کمیسر کاری جز چراندن سالی هزار لیره نداشت و احیاناً اگر گزارشی هم

۲۲۸ نفت در دنیا - ایران ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۲۲۹ پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۹.

۲۳۰- همان کتاب ص ۲۷۰ - امتیازنامه داری در ۱۲۸۰ شمسی صادر شد (صفر ۱۳۱۹ قمری و مه ۱۹۰۱ میلادی) دو چاه نفت چاه سرخ در دیماه ۱۲۸۲ و خرداد ۱۲۸۳ بنفت رسید. اولین مذاکره راجع به امتیاز در مجلس شورای ملی در جلسه پنجم ذی حجه ۱۳۲۴ قمری مطابق با ۱۲ دیماه ۱۲۸۴ شمسی صورت گرفت - در آن جلسه گفته شد که در معدن قصر شیرین (همان چاه سرخ) کتابچی خان کمیسر بود او را معزول کردند و کار را به پسرش دادند و در ۱۳۲۴ (تاریخ جلسه) دوسال بود که این کار بعهد صدیقی السلطنه بود.

می‌فرستاد چیزی جز آیه یأس نبود... (۲۳۱) حتی در دوره زمامداری وثوق الدوله این کار، گیر... یکی از نوه‌های رئیس‌الوزراء * آمد که... در خانه خود در تهران افتاده بود و سالی هزار لیره نان خانه از کمپانی می‌گرفت... و بهر حال «... کمیسر ما در لندن یا در تهران پای کرسی لم داده... اگر هم چیزی از نفت می‌نوشت... همان مطالب عمومی بود که در روزنامه‌های انگلیسی می‌نوشتند...» (۲۳۲)

دکتر میلیسپو در سفر اول خود راجع به کمیسر نفت ایران در لندن چنین اظهار عقیده نمود «کمیسر نفت ایران علامت قابلیت خود را نشان نمی‌دهد و برای حفظ مقام خود در تحت تأثیر مقامات مربوط قرار می‌گیرد.» (۲۳۳)

سرجان کدمن راجع بنحوه کار میرزا عیسی خان فیض در بیست و دومین جلسه عمومی شرکت مورخ سه‌شنبه ۱۶ ژوئن ۱۹۳۱ اظهار نظر کرد که «... چند سال بود که مرتباً در این جلسات سالیانه ایشان ما را به چند کلمه بیانات و نظریات خود راجع به عملیات شرکت مستفیض می‌فرمودند...» (۲۳۴) این نمونه‌ای از طرز کار کمیسرهای نفت بود. اما واقعاً اگر هم می‌خواستند دقیقاً به عملیات شرکت رسیدگی کنند شاید به‌اغلب احتمال میسر نبود، زیرا آنچه از وظائف آنها موکول به همکاری و همراهی اولیای شرکت بود ضمانت اجرائی نداشت و شرکت بهیچ‌صورت حاضر نبود عملیات و حسابهای خود را برای آنها تشریح نماید و روشن سازد (۲۳۵) مگر آنچه در بیلان سالیانه انعکاس و انتشار می‌یافت چه آنکه در همه حال مسئله قرارداد با نیروی دریائی انگلیس بزرگترین مانع علنی

۲۳۱- شرح زندگانی ج ۳ ق ۱ ص ۲۱۳.

* مصطفی مقتدر (شرح زندگانی من ج ۳ ق ۱ ص ۲۱۴)

۲۳۲- شرح زندگانی من ج ۳ ق ۱ ص ۲۱۸.

۲۳۳- طلای سیاه یا بلای ایران ص ۲۵۰.

۲۳۴- همان کتاب ص ۲۵۲.

۲۳۵- خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ ص ۴۱ بنقل از یادداشت وزیر خارجه ایران به‌وزیر مختار انگلیس در تهران *

افرادى را برای رفع احتیاجات دولت تربیت و آماده کند.

در سال ۱۳۳۳ رئیس دانشکده فنی در مورد شعبه نفت دانشکده فنی اظهار داشت که چون در کشور ایران منابع نفتی مهمی وجود دارد... لازم بود در دانشگاه تهران دانشکده‌ای بنام دانشکده نفت وجود داشته باشد و این موضوع از ابتدای تأسیس دانشکده فنی مورد توجه اولیاء دانشگاه بوده است، ولی بعلت نبودن وسایل، مخصوصاً آزمایشگاههای لازم تأسیس آن به تعویق افتاد، تا اینکه چندی پیش لوازم مزبور را شرکت سابق نفت ایران و انگلیس به دانشکده فنی ارسال داشت و بدیترتیب مقدمات تأسیس شعبه‌های استخراج نفت و تصفیه نفت در دانشکده فنی فراهم گردید (۲۳۶).

از این گفته طرز فکر اولیای امور را نسبت به نفت می‌توان فهمید. ده پانزده سال کار تحصیل نفت را معوق گذاردند که وسایل ندارند. مثل اینکه وسایل و آزمایشگاه مربوط به نفت را نمی‌شد از خارجه وارد کرد و می‌بایست حتماً دست روی دست بگذارند تا شرکت سابق نفت ایران و انگلیس وسایل مزبور را برای آنها ارسال دارد.

ساده‌ترین امور مربوط به شرکت و دولت از نظر مردم پوشیده بود و ناچار همه از کارمند و غیر کارمند درباره این موضوع نه فقط در جهل و بی‌خبری بلکه در جاهلیت جهلاء و نادانی مطلق بسر می‌بردند. نتیجه آن شد که حتی مأمور رسیدگی به حسابهای شرکت هم يك تن انگلیسی بود و مأمور رفع اختلافات دولت با شرکت هم يك تن انگلیسی (۲۳۷).

دیگر آنکه کارمندان دولت، در قبال شرکت، علاوه بر اطلاع دقیق از منابع ثروت کشور خود و کارهای شرکت می‌بایست به زیور تقوی و فضیلت اجتماعی و اداری یعنی قوت اراده و عزت نفس و علو طبع و همت

۲۳۶- اطلاعات ۸۵۷۶، ۱۹، ۱۰، ۳۳۱.

۲۳۷- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۶ و ۲۷۷ - طلای سیاه یا بالای ایران ص ۲۵۳ و این خواندنی است. جنگ نفت ص ۲۹.

شدن عملیات تجاری و محاسبات شرکت بود، رقابت با شرکت‌های نفتی جهان، فعالیت‌های جهانی برای دست‌یافتن به بازارها و منابع تازه نفتی، عملیات شرکت‌های تابعه شرکت نفت انگلیس و ایران محدود، این راز-پوشی را سخت‌تر و محکم‌تر می‌ساخت و پیداست که هیچیک از کمیسر-های ایران نمی‌توانستند در این مسائل وارد شده حقوق دولت را حفظ نمایند و پیروز بیرون آیند، علی‌الخصوص که نه به حسابداری صنعتی واقف بودند و نه بدقایق صنعت نفت، از استخراج و تصفیه و فروش و مهمتر از همه قدرتی لازم بود که به دنبال آنها باشد و نظرشان را اجرا کند و یا شرکت را به اجرای آن وارد کرد تا اگر شرکت در جائی خواست بد حسابی و بی‌حسابی کند بلا تأهل جلو آن را بگیرد و این قدرت می‌بایست بیش از قدرت انگلستان باشد.

اما در داخله از نظر حاکمیت ملی وضع چنان بود که با وصف قدرت فراوان انگلستان، اگر برای حفظ ظاهر هم بود شرکت ناچار می‌بایست دستور مأمورین دولت را اجرا و قوانین مملکتی را مراعات نماید، ولی متأسفانه مأمور مقتدر و دلسوز که شرکت را باین امر وادارد بسیار کم بود و اگر بود از او پشتیبانی نمی‌شد و اصولاً توفیق کامل در این امر مستلزم اطلاع مردم یا لاقلاً مأمورین دولت از این منابع سرشار ثروت ملی و مقررات دقیق امتیاز و حدود و حقوق شرکت و دولت بود که تقریباً وجود نداشت. اطلاع عمومی از نفت در حکم صفر بود. همینقدر گاهی نفتکشی را در جاده‌ها یا در کنار شهر و یا آبادی خود می‌دیدند، دیگر چیزی از آن برایشان معلوم نبود. نه تنها عامه مردم بلکه اهل مدرسه نیز چندان از این موضوع اطلاع نداشتند. مسئله‌ای که حقیقاً برای کشور حیاتی بود، نه در مدارس عالی مورد توجه و اعتنا بود و نه در مدارس متوسطه. از اینرو حتی طبقه تحصیل کرده هم نسبت به دقایق آن بی‌اطلاع بودند. در ظرف نیم قرن فعالیت صنعتی شرکت و پیشقدمان آن، هیچکس یکبار هم در صدد این برنیامد که وسایل تربیت لاقلاً صد نفر متخصص نفت را فراهم و در داخله یا بصورت اعزام محصل، در خارجه، چنین

بلند آراسته باشند و به‌جاه و جلال اولیای شرکت فریفته نشوند و از جا درنروند و مقام استغنا و بی‌طمعی را از دست ندهند و آبروی خود و ملت ایران را نریزند، ولی متأسفانه این کارهم آسان نبود، زیرا فقط از مردان بسیار فهمیده و درس خوانده و ریاضت کشیده و ورزیده ساخته بود و با کمال تأسف مأمورین دولت در مراکز نفت اغلب فاقد این صفات و بلکه احیاناً از واخورده‌های وزارتخانه‌ها یا «پسندیدگان شرکت و سفارت» بودند که البته به مراتب بیشتر از این صفات عاری بودند (۲۳۸) و بنابراین برای حفظ حقوق ملت هم بهیچوجه صلاحیت و شایستگی نداشتند. بلکه برعکس کوشا بودند که در کارهای مربوط به شرکت رضایت خاطر اولیای شرکت را به بهترین نحوی فراهم سازند...

بدیهی است شرکت چنین مأمورینی را می‌پسندید و آنها را به سفارت - اگر نمی‌شناخت و در انتصابشان دست نداشت - معرفی می‌کرد و آن وقت سعی بلیغ می‌شد که این قبیل مأمورین تغییر نکنند و در خوزستان دوام بیاورند. تازه این مأمورین که هیچگاه معنای مورد احترام و اعتنای شرکت نبودند - مجبور بودند درباره هر امر جزئی از مرکز کسب تکلیف نمایند. یعنی از خود هیچ اختیاری نداشتند و این امر باعث کسر شأن آنها نزد شرکت می‌شد و احیاناً ضررهائی به مردم وارد می‌آورد، ولی از حق نباید گذشت که در مقابل چنین مأمورینی نمی‌شد مرکزیت را از میان برد و به آنها اختیار داد، زیرا آنوقت دیگر هر کاری به آسانی برای شرکت میسر بود. احتیاج کارمندان به‌خانه و وسایلی که می‌بایست از طرف شرکت به آنها داده شود، چون دولت واسطه نبود و کارمندان مستقیماً با شرکت طرف بودند سرچشمه ذلت و خواری بود. در آن منطقه‌ای که بحق یا ناحق آبادی در دست شرکت و تحت تأثیر شرکت بود و خارج از قلمرو شرکت، نه خانه به حد کافی پیدا می‌شد و نه وسائل زندگانی گذران. دولت هم به فکر نبود که وسائل را از شرکت بگیرد و خود بر حسب قرار

۲۳۸- در این موضوع به کتاب پنجاه سال نفت ایران ص ۴۱۶ و ۵۰۸ تا ۵۱۳ مراجعه فرمائید. مرجع این مطالب همه همان است.

محکمی به کارمندان اختصاص دهد تا این احتیاج تعهداتی را برای کارمندان در مقابل شرکت پیش نیاورد و عزت نفس آنها را در هم نشکند و آنها را در مقابل شرکت کوچک نکند. پس مردان توانائی می‌خواست که از راه درنروند و آلوده منت و محکوم حکم شرکت نشوند و برهیئت دولت بود که به فکر همه این مسائل باشد و نقشه و برنامه هر کاری را بطور دقت از پیش تهیه کند و این هم‌امری بود صعب‌الحصول و فقط چند مورد مختصر و منجمله پس از اشغال ایران دیده شد که وزیری در مقابل شرکت ایستاد و با استدلال و منطق جلو آن را گرفت (۲۳۹) و عجب آنکه شرکت هم باین قبیل اشخاص احترام می‌گذاشت و اگر همه کسانی که با بیگانگان سر و کار داشتند متوجه این موضوع بودند به آسانی شرافت نفس و علو طبع خود را متزلزل و لکه دار نمی‌ساختند تا هم مردم آنها را به نیکی و احترام یاد کنند هم بیگانگان. و ثروت ملی هم بهر نوع و بهر صورت از دستبرد مصون باشد. بلی «... غفلت و نادانی و بی‌اطلاعی و لاقیدی اولیای امور بود که آنها را در استیفای حق مردم به فتور و سستی و اهمال و می‌داشت و در حیاتی‌ترین موضوعات استقامت و پایداری نشان نمی‌دادند و یا آنکه برای حفظ مقام خود گذشت‌های ناروا می‌نمودند (۲۴۰)» و علت‌ها بود که هیچگاه حقوق ملت ایران در مورد نفت محفوظ نمی‌ماند و در این سودا سود او همه زیان بود.

صنایع مربوط به نفت

بجز صنایع مربوط به استخراج و تصفیه و حمل و نقل نفت، یک رشته صنایع دیگر نیز در پرتو وجود نفت پیدا شده است که امروزه در مملکت - های پیشرفته صاحب نفت دارای اهمیت بسیار است و اهم آنها صنعت پتروشیمی است.

پتروشیمی:

در این صنعت مواد و گازهای نفتی بر اثر ترکیب و یا تغییر فرمول

۲۳۹- پنجاه سال نفت ایران ص ۵۰۹. ولی متأسفانه این شخص معرفی نشده است.
۲۴۰- ایضاً ص ۱۹۴.

تبدیل به مواد دیگری میشود. این صنعت از سال ۱۹۲۰ بوجود آمده و بمناسبت ارزانی مواد نفتی بسرعت پیشرفت کرده است. سه طبقه اصلی از محصولات پتروشیمی عبارتست از: کودهای شیمیائی - الیاف مصنوعی و انواع محصولات پلاستیکی.

کودهای شیمیائی بدون تردید یکی از مهمترین محصولات پتروشیمی است و چون ارتباط مستقیم با سطح زندگی کشاورزان و افزایش محصولات کشاورزی و منجمله مواد غذایی دنیا دارد، می توان گفت که سد تازه ای در مقابل مشکل کمبود مواد مزبور ایجاد نموده است که هرگز از طریق مصرف کود حیوانی میسر نبوده است.

از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ بطور متوسط ۳۸۳ درصد وزن کل واردات و ۹۰۸ درصد ارزش کل واردات ایران را محصولات تشکیل می داده است که منشاء آنها پتروشیمی بوده است در صورتی که ماده اولیه کلیه این محصولات فرآورده های نفتی بصورت مایع و گاز و همچنین نمک و پاره های محصولات معدنی دیگر می باشد که بحد وفور در ایران وجود دارد. هم اکنون در مناطق نفت خیز جنوب روزانه بیش از ۶۰۰ میلیون پای مکعب گاز نفت تولید می شود... و با توجه بمنابع عظیم نفتی و گازی که در مناطق دیگر کشور کشف گردیده است اهمیت وامکاناتی که در راه ایجاد یک صنعت پتروشیمی عظیم در ایران وجود دارد آشکار میگردد (۲۴۱).

نظر به این مقدمات در تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۳۸ در مرودشت فارس اولین کلنگ طرح لوله کشی گاز از گچساران و ساختمان کارخانه کود شیمیائی شیراز به زمین زده شد. اجرای طرح فوق به «بنگاه کود شیمیائی» که وابسته به وزارت صنایع و معادن بود محول و نام آن بنگاه به بنگاه «پتروشیمی» تبدیل گردید و در ۲۶ مهرماه ۱۳۴۲ با حضور ژنرال شارل - دوگل رئیس جمهور فرانسه رسماً افتتاح شد و شروع بهره برداری کرد.

طرح لوله کشی گاز که از گچساران شروع میشود، مشتمل است بر یک کارخانه تصفیه گاز برای مصرف در کارخانه کود شیمیائی و مصارف شهری و تأسیسات کارخانه های قند مرودشت و سیمان فارس و قند کوار.

مصرف روزانه کارخانه کود شیمیائی قریب ده میلیون پای مکعب گاز است که نزدیک دو ثلث آن صرف تولید نیروی برق میشود و ثلث دیگر آن به عنوان ماده اولیه برای تهیه کودهای شیمیائی بکار می رود.

منظور از ایجاد کارخانه کود شیمیائی تولید کودهای ازته از نوع نیترات داموئیوم و اوره است. چه این نوع کود برای هر نوع نبات و هر قسم زمین از مهمترین و لازمترین انواع کودهای شیمیائی بشمار می رود. علاوه بر این دو محصول که میزان تولید هر یک سالیانه چهل هزار تن است، قریب هزار تن آمونیاک خالص نیز باقی می ماند و برای مصارف مختلف صنعتی مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین اسید نیتریک و گاز کربنیک نیز از محصولات این کارخانه است که قابل فروش است. برای اداره کارخانه کود شیمیائی ۲۴ نفر از مهندسين کشور در سال ۱۳۳۹ به کشورهای فرانسه، بلژیک و ایتالیا اعزام گردیدند تا در کارخانجات مشابه اطلاعات عملی بیاموزند و تحصیلات لازم را نیز بنمایند. سی نفر از متخصصین خارجی نیز موقتاً استخدام شدند (۲۴۲).

عملیات ساختمان و نصب ماشین آلات کارخانه پتروشیمی بندر شاهپور [بندرام خمینی] نیز قرار بود تا اواسط سال ۱۳۴۸ خاتمه یابد و بهره برداری از آن شروع شود، چه آنکه دو سال پیش قرارداد ایجاد یک مجتمع شیمیائی نزدیک بندر شاهپور میان شرکت ملی صنایع پتروشیمی و یک شرکت امریکائی با سرمایه اولیه یکصد میلیون دلار و به نسبت ۵۰-۵۰ منعقد شده بود، اما سابقه توجه به صنعت پتروشیمی به ۱۵ سال

پیش از آن می‌رسد زیرا که در اوایل سال ۳۲ یکی از کمپانی‌های سوئدی پیشنهادی به دولت ایران داد که در خوزستان چند کارخانه مهم شیمیائی و کود شیمیائی و کارخانه سمنت به خرج خویش بسازد و پول آن را بموجب قراردادی در مقابل ضمانت بانکی به اقساط سالیانه در ظرف مدت پنج سال (یعنی یکسال پس از شروع بهره‌برداری) از دولت ایران دریافت دارد. حتی کمپانی سوئدی در پیشنهاد خود تذکر داده بود که حاضر است از فروش محصولات همان کارخانجات که مقدار مهم آن مورد احتیاج ضروری کشورهای دیگر است هر سال مقداری با اجازه و نظر دولت ایران صادر نماید و ارز حاصله از آن صادرات را بابت اقساط سالیانه خود برداشت کند.

کمپانی مزبور مخصوصاً تأیید کرده بود که عایدات خالص از فروش این کارخانه در ظرف مدت تقریباً سه سال، قیمت تمام کارخانه‌ها و مخارج را مستهلک می‌نماید و نیز کمپانی حاضر بود این نظریه خود را تعهد نماید، مشروط بر اینکه اداره کردن امور فنی آن کارخانجات تا موقع استهلاك اقساط و پرداخت قیمت کارخانه‌ها با کنترل دولت ایران در تحت نظر مهندسین خود کمپانی انجام گیرد... دولت ایران بمحض اطلاع از این موضوع پیشنهاد فوری کمپانی مزبور را به ایران دعوت نمود و دستور داد سازمان برنامه با کمپانی مذاکره و موضوع را تعقیب نماید. سازمان برنامه با کمپانی مذاکره... و با پیشنهاد کمپانی دائر به ساختمان این کارخانجات در خوزستان موافقت نمود... پس از موافقت سازمان برنامه و سقوط دولت وقت، در دولت بعدی مجدداً همین موضوع تعقیب شد. سازمان برنامه در این موقع پیشنهاد کمپانی را با سوابق امر برای شور و نظر قطعی به شورای عالی برنامه فرستاد که در این شوری نیز با انجام این عملیات و پیشنهاد موافقت کامل حاصل شد. سپس سازمان برنامه از نظر اهمیت

موضوع، این پرونده را برای موافقت و جلب نظر به هیأت وزیران ارسال داشت و در ماه اوت ۱۹۵۴ هیأت وزیران با حسن نظر تلقی و تصویب نمود. سازمان برنامه در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۵۴ نامه‌ای در تحت شماره ۱۱۸۳۱۷۴۹ به کمپانی مزبور نوشت که پیشنهاد شما در هیأت وزیران نیز تصویب گردید و ضمناً سازمان برنامه بر حسب نظر دولت از کمپانی تقاضای «آفر» و پیشنهاد برای ساختمان يك کارخانه در خوزستان نمود که کمپانی نیز در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴ به سازمان برنامه جواب داد. پس از این جریان یعنی بطور کلی پس از فوت پناهی مدیر سازمان برنامه و انتصاب ابتهاج، با وجود تذکرات پی‌درپی از طرف کمپانی، موضوع ساکت و راکد ماند و چون سازمان برنامه به نامه‌های کمپانی - که بنا بر اظهار متصدیان مربوط بیش از دویست هزار کورون سوئدی متضرر شده بود - جواب صحیحی نداد، کمپانی مزبور طی نامه‌ای به دولت ایران اطلاع داد که در این مورد و برای جبران ضرر وارده هر چه زودتر اقدام شود...

قیمت کل کارخانجات از هر جهت با ساختمان و غیره که با کمپانی قطع شده و در پرونده مربوطه سازمان برنامه موجود است مساوی است با ۲۳ میلیون دلار و قرار چنین بود که کمپانی در ظرف مدت دو سال کارخانجات را در خوزستان ساخته تحویل بنماید که از سال سوم بهره‌برداری شروع گردد. با عایدات خالص سالی ۸۰۵ میلیون دلار قیمت کل این کارخانجات و سرمایه اصلی در حدود سه سال پرداخت و مستهلک می‌شد (۲۴۳).

کارخانه پتروشیمی بندر شاهپور [بندر امام خمینی] در مرحله اول بهره‌براری ۱۵۰۰ تن آمونیاك، ۵۰۰ تن اوره، ۱۳۰۰ تن اسید - سولفوریک، ۴۵۰ تن اسید فسفریک، ۳۸۰ تن فسفات در روز تولید می‌کرد... - برای تأمین مواد اولیه آن سه حلقه چاه مخصوص استخراج

واحد تولید گوگرد، واحد تولید آمونیاک، واحد تولید اوره، واحد تولید اسیدسولفوریک، واحد تولید اسیدفسفریک، و واحد تولید فسفات - دی آمونیوم و سوپر فسفات تریپل، واحد کمکی که برای بهره برداری از واحدهای فوق لازم است عبارتست از خشک کردن گاز در مسجد سلیمان، خط لوله گاز، واحد تصفیه آب، خط لوله آب، واحدهای تولید برق و بخار اسکله و وسایل خودکار تخلیه و بارگیری تعمیرگاهها، خط آهن و واحدهای لازم دیگر. مجموع سرمایه گذاری در این مجتمع شامل هزینه های تشکیلاتی و ساختمان مسکن برای کارکنان بالغ بر ۱۷۴۰۰ میلیون ریال معادل ۲۳۲ میلیون دلار می باشد که از این مبلغ معادل ۱۳۵۰ میلیون ریال برابر با ۱۸ میلیون دلار صرف هزینه چاههای گاز در مسجد سلیمان شده است. تعداد کارکنان این مجتمع در حدود ۵۰۰ کارمند و ۷۰۰ نفر کارگر می باشد که در داخل و خارج کشور کارآموزی کرده اند و عده ای کارمند خارجی. مرکز برق مجتمع پتروشیمی شاهپور ظرفیت تولید ۳۷۵۰۰ کیلووات برق و ۳۲۰۰۰۰ پوند بخار در ساعت را دارا است. این مرکز شامل یک مولد با توربین بخار و دومولد با توربین گاز و دو دیک بخار است. این واحد در قطعه زمینی به وسعت ۳۲ هکتار در نزدیکی بندر شاهپور در مدخل خور موسی در کرانه خلیج فارس احداث و بیش از یک میلیون متر مکعب در آن خاکریزی شده است. این محل هم کنار جاده آسفالتی و راه آهن قرار دارد و هم از نظر صدور محصولات در کرانه خلیج فارس می باشد و عملیات ساختمانی آن نزدیک به ۵ سال طول کشیده است. عده زیادی از کارمندان ارشد ایرانی مجتمع در مشاغل حساسی در آمریکا بکار گمارده شدند تا بعداً از عهده انجام وظایف خود در آن بندر برآیند. این برنامه با همکاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت آلاید کیمیکال انجام گردید (۲۴۶).

گاز طبیعی در مسجد سلیمان حفر و بمنظور انتقال گاز متجاوز از دویست کیلومتر لوله گذاری شد و بدین ترتیب قسمتی از گاز طبیعی که تاکنون بهدر می رفت مورد استفاده قرار گرفت. آب مورد نیاز کارخانه نیز از رود کارون تأمین می گردید...

روی هم رفته برای تأسیس کارخانه های پتروشیمی بندر شاهپور، آبادان و خارك و همچنین تأمین هزینه های جاری شرکت ملی پتروشیمی مبلغ ۸۳۹۰۰۰۰۰ ریال از محل اعتبارات عمرانی کشور تخصیص یافته است (۲۴۴).

بطور کلی برنامه هایی که برای توسعه صنایع پتروشیمی در ایران تهیه شده شامل تولید آمونیاک و گوگرد شیمیائی به مقدار زیاد و صدور آنهاست و کارخانه های لازم برای این کار در جوار میدانهای نفت جنوب تأسیس خواهد شد. دیگر ایجاد کارخانه تولید کننده محصولات و مصنوعات پتروشیمی از قبیل لاستیک مصنوعی و اشیاء پلاستیکی و وسایل نایلونی. تهیه گوگرد از گاز طبیعی حاوی گوگرد که مخصوصاً در مسجد سلیمان و خارك وجود دارد صورت خواهد گرفت.

در آبان ۱۳۴۴ قرارداد مقدماتی بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت آمریکائی «آلاید کیمیکال کورپوریشن» برای اجرای طرحهای دامنه دار پتروشیمی منعقد گردید و در ۲۳ آذر همان سال قرارداد نهائی به امضاء رسید. این قرارداد در مرحله اول شامل ایجاد کارخانجات تولید گوگرد و آمونیاک و اوره و سایر کودهای شیمیائی است (۲۴۵).

برای ساختمان مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور [بندر امام خمینی] شرکت آمریکائی کلاک به عنوان پیمانکار و نارظ اصلی انتخاب شد، و در فروردین ۴۶ قرارداد مربوط به آن به امضاء رسید و لوله های این مجتمع عبارتست از:

مجتمع شیمیائی سابق‌الذکر شاهپور [بندر امام خمینی] که در کنار خلیج فارس و دربندر شاهپور [امام خمینی] بوجود آمده یکی از تأسیساتی است که از ابتدا مبلغ ۱۹۲۰۰۰۰۰ دلار سرمایه برای ایجاد آن پیش-بینی شده بود، ولی بعد با محاسبات و بررسی‌های دقیق‌تر این رقم به ۲۳۰۰۰۰۰۰ دلار رسید و بعداً گفته شد که برای آن در حدود ۲۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری لازم است، زیرا این واحد محتملاً در ردیف عظیم-ترین واحدهای پتروشیمی جهان خواهد بود. این کارخانه در مرحله اول روزانه ۱۵۰۰ تن سولفور، ۱۰۰۰ تن آمونیاک، ۵۰۰ تن اوره، ۳۰۰ تن اسید سولفوریک، ۴۵۰ تن اسید فسفریک، ۳۸۰ تن دی‌آمونیم فسفات و یا ۴۵۰ تن سوپرفسفات تریپل و در حدود ۱۰۰۰ تن انواع کودها و محصولات شیمیائی دیگر تولید نمود.

ماده اولیه مجتمع شیمیائی شاهپور از گازهای اسیدی منطقه مسجد سلیمان تأمین خواهد شد که بیش از ۲۵ درصد دارای هیدروژن-سولفور است و تابحال بمنظور تأمین گاز مورد احتیاج سه حلقه چاه در منطقه مزبور حفر شده که حفاری دو حلقه آن تکمیل گردیده و آماده بهره‌برداری است، گاز مورد نیاز مجتمع شاهپور روزانه در حدود ۱۵۰ میلیون فوت مکعب است و توسط یک رشته لوله ۲۰ اینچی که از مسجد سلیمان تا محل کارخانه بطول ۱۸۰ کیلومتر نصب شده حمل می‌شود. ارزش کلی فرآورده‌های این مجتمع در سال بالغ بر ۵۰ میلیون دلار می‌گردد. برنامه این بوده است که بهره‌برداری از ساختمانهای متعدد وابسته به مجتمع شیمیائی شاهپور تا اواخر سال ۱۹۶۹ آغاز شود و بطور کلی از اواسط سال ۱۹۷۰ از تمام واحدهای مجتمع که مشتمل بر واحد تولید: گوگرد، آمونیاک، اوره، اسید سولفوریک و غیره است، امکان همه نوع بهره‌برداری فراهم باشد.

شرکت سهامی شیمیائی شاهپور یا مجتمع شیمیائی شاهپور با سرمایه ۱۸۸۷۶۰۰۰۰ ریال (معادل ۲۵۰ میلیون دلار) قادر است هرگونه

عملیات مربوط به تولید و فروش و صدور انواع فرآورده‌های پتروشیمی را انجام دهد.... و امید موفقیت در آن بسیار است چه آنکه میزان ذخائر گاز ایران که ماده اولیه صنعت پتروشیمی است، خوشبختانه چنان است که طرحهایی به مقیاس‌های بسیار بزرگتر را می‌توان در جنوب اجرا کرد و این کارخانه‌های موجود حتی یک‌دهم گاز تولیدی را هم مصرف نمی‌کند. میزان تولید فعلی گاز ایران بیش از دو میلیارد فوت مکعب در هر روز است و با توجه باینکه همراه هر بشکه نفت ۷۰۰ فوت مکعب گاز از چاهها خارج می‌شود و میزان تولید نفت ایران نیز علی‌العجله روبه‌افزایش است... ممکن است رقم سرمایه‌گذاری در رشته پتروشیمی در ظرف پنجسال آینده به یک میلیارد دلار بالغ شود (۲۴۷). امور مجتمع شیمیائی شاهپور به وسیله یک هیئت‌مدیره شش نفری اداره می‌گردد که اعضای آن برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند (۲۴۸).

و نیز در سال ۱۳۴۵ قراردادی با شرکت «آموگو» بمنظور ایجاد کارخانه مجتمع پتروشیمی در جزیره خارک انعقاد یافت (۲۴۹). اجرای سه طرح بزرگ مجتمع شیمیائی شاهپور و آبادان و خارک به‌مراحل نهائی رسیده است. مجتمع پتروشیمی شاهپور چنانکه گفته شد بمنظور تولید گوگرد و کودهای شیمیائی ایجاد شده است و یک لوله ۲۰ اینچی از مسجد سلیمان به بندر شاهپور ساخته شده تا گاز مورد نیاز مجتمع مزبور به محل رسانیده شود. حفاری چاه شماره ۳۰۹ مسجد سلیمان برای استخراج گاز گوگرد دار با موفقیت انجام شده و چاههای دیگری در دست حفاری است. مجتمع پتروشیمی آبادان در مجاورت پالایشگاه بنا شده و مواد پلاستیکی و پاک‌کننده تولید خواهد نمود. ساختمان کارخانه پتروشیمی خارک نیز آغاز گردیده و پس از اتمام گوگرد و گاز مایع تولیدی آن در داخل کشور مصرف و به‌خارج نیز صادر خواهد شد...

۲۴۷- کیهان ۷۹۹۰، ۴۸۸۱۵، ۴۸۸۱۵

۲۴۸- کیهان ۷۷۹۸، ۴۸۴۳، ۴۸۴۳

۲۴۹- کیهان ۷۳۹۳، ۴۶۱۲۲۹، ۴۶۱۲۲۹

ساختمان يك کارخانه تولید گاز مایع و نفت نیز بوسیله شرکت‌های عامل نفت در بندر ماه‌شهر آغاز گردیده که مرحله اول آن با ظرفیت سالانه ۲۸ میلیون متر مکعب در ناپستان آینده تکمیل خواهد شد (۲۵۰). شرکت ملی صنایع پتروشیمی علاوه بر سرمایه‌گذاری هنگفتی که طی سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ در زمینه ایجاد سه واحد مدرن پتروشیمی نموده در برنامه چهارم نیز حدود پانصد میلیون دلار سرمایه‌گذاری در رشته‌های مختلف این صنعت نمود که قسمتی از آن در خارج منظور شده بود (۲۵۱).

برای احداث کارخانه‌های مذکور دولت در برنامه سوم ۴۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرد. واحد پتروشیمی خارك با مشارکت کشور ژاپن در دست تأسیس و ساختمان قرار گرفت و این کشور قبلاً هم در صنایع پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری کرده بوده است. کارخانه پتروشیمی آبادان در زمینی به مساحت یکصد هزار متر مربع بنا شده و سرمایه‌گذاری در آن بوسیله دولت ایران و يك شرکت خارجی صورت گرفت و سهم ایران از محل اعتبارات عمرانی کشور تأمین شده است. اعتباری که برای این طرح تصویب شده معادل ۳۲ میلیون دلار است که تا اواسط اسفند ۴۷ بیست و شش میلیون دلار آن به مصرف رسیده بوده است. برای احداث این کارخانه روزانه قریب به ۵۰۰ نفر کارگر و متخصص فعالیت می‌کردند و تا بحال بهره‌برداری آزمایشی نیز از آن بعمل آمده است. محصولات شیمیائی این کارخانه بیشتر اختصاص به مصارف داخلی خواهد داشت و فقط قسمتی از آن صادر خواهد شد و پس از خاتمه عملیات نصب دستگاه‌های کارخانه عده‌ای از کارشناسان خارجی با متخصصان و کارشناسان ایرانی همکاری می‌کردند ولی قرار بود بتدریج ایرانیان جای آنها را بگیرند (۲۵۲).

۲۵۰- کیهان ۱۲۲۹، ۱۲۲۹، ۱۲۲۹، ۱۲۲۹.

۲۵۱- کیهان ۱۲۴۱، ۱۲۴۱، ۱۲۴۱، ۱۲۴۱ و کیهان ۱۲۴۵، ۱۲۴۵، ۱۲۴۵، ۱۲۴۵.

۲۵۲- کیهان ۱۲۱۸، ۱۲۱۸، ۱۲۱۸، ۱۲۱۸.

اخیراً نیز بزرگترین کارخانه تولید کننده نخ نایلون با ظرفیت دوهزارتن در سال و با سرمایه یکصد و ده میلیون تومان در نزدیکی تهران از طرف بخش خصوصی (سرمایه‌گذاری داخلی - بانک توسعه صنعتی و معدنی، يك شرکت امریکائی) تأسیس شده و شروع بکار کرده است. مواد اولیه مورد نیاز این کارخانه فعلاً از خارج وارد می‌شود، ولی در نظر است که يك واحد تولیدی کاپزولکتام بظرفیت چهل هزار تن در سال از طرف دولت ایجاد شود که مواد مورد نیاز کارخانه‌های مشابه این کارخانه را در ایران و پاکستان و ترکیه تأمین نماید... محصولات این کارخانه نخ نایلون برای تریکو تاژ، ساختن انواع جورابه‌های نایلون زنانه، زیرپوش، زیرپیراهن و انواع بافندگی‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این کارخانه بزرگترین واحد تولیدی است که با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شروع بکار کرده است و می‌تواند در سالهای آینده ظرفیت تولیدی خویش را بالا برد به خصوص که دو کشور ترکیه و پاکستان هم اظهار تمایل کرده‌اند که قسمتی از احتیاجات پتروشیمی خود را از ایران خریداری کنند و باین ترتیب احتمال وجود بازار برای آن خواهد بود. میزان احتیاجات ترکیه تا سال ۷۲-۱۹۷۱ از سیصد میلیون فوت مکعب تجاوز کرد (۲۵۳).

تأسیسات شرکت سهامی پتروشیمی آبادان در روز ۴ آبان ۴۸ افتتاح شد. در مراسم افتتاح گزارش شد که این مجتمع یکی از سه مجتمع بزرگی است که توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایجاد شده است. هفتاد و چهار درصد سهام آن متعلق به شرکت ملی صنایع پتروشیمی و ۲۶ درصد سهام آن متعلق به شرکت بی‌اف گودریچ آمریکاست.

شرکت سهامی پتروشیمی آبادان در تاریخ ۱۵ خرداد ۴۵ با سرمایه اولیه ۸ میلیون دلار تشکیل شد و در تاریخ ۲۳ شهریور ۴۵ قرارداد طراحی

۲۵۳- کیهان ۱۲۹۴، ۱۲۹۴، ۱۲۹۴ و ۱۲۹۲، ۱۲۹۲، ۱۲۹۲، ۱۲۹۲.

و مهندسی مجتمع مربوط به آن با شرکت (لاماس) بامضاء رسید و بلافاصله کار مهندسی و طراحی مجتمع آغاز گردید. ساختمان کارخانه و نصب ماشین آلات آن در مدتی کوتاه‌تر از (۲۱ ماه) بپایان رسید و در ساعت ۱۲ روز چهارشنبه ۱۴ آبان ۴۸ افتتاح شد. فرآورده‌های اصلی این مجتمع در عرض سال عبارتست از ۲۰۰۰۰ تن پلاستیک پی.وی.سی، ۱۰۰۰۰ تن دترجنت دی.دی.بی که ماده مؤثر پودرهای شوینده است و ۲۴۰۰۰ تن سود سوزآور مواد خام مجتمع از گازهای مازاد پالایشگاه آبادان که تا بحال به مصرف اقتصادی نمی‌رسید و نمک طعام که از معادن خوزستان استخراج می‌شود تأمین می‌گردد. جمع سرمایه‌گذاری در این مجتمع که شامل هزینه‌های تشکیلاتی و بکار انداختن کارخانه و سرمایه‌گردان می‌شود بالغ بر ۲۴۷۰ میلیون ریال و یا تقریباً معادل ۳۳۰۰۰۰۰۰۰ میلیون دلار شده است. در ظرف مدت ساختمان مجتمع ۲۱ نفر کارمند خارجی برای امور تخصصی و فنی در آن بکار مشغول بوده‌اند و بقیه کارها بدست مهندسین و کارگران ایرانی انجام شده است، سازمان بهره‌برداری شرکت در آغاز کار توسط ۲۴۰ یا ۲۳۰ نفر کارمند و ۲۹۰ یا ۲۱۰ نفر کارگر که باختلاف ذکر شده است - اداره می‌شد و فقط سه نفر کارمند خارجی در مدت کوتاهی در آن کار می‌کردند.

شرکت ملی صنایع پتروشیمی معادل ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ میلیون ریال برای ساختن ۲۱۲ دستگاه خانه در نزدیکی محل مجتمع سرمایه‌گذاری کرده است (۲۵۴). هزینه ایجاد این طرح در بدو امر در حدود ۲۶۶ میلیون دلار پیش‌بینی شده بود و برای تأمین مابه‌التفاوت سرمایه اصلی و هزینه لازم وامی به مبلغ ۳۱۱ میلیون دلار از بانک صادرات و واردات امریکا گرفته شد و نیز مقرر گردید که صاحبان سهام نیز وامهای تبعی به شرکت بدهند تا هزینه طرح تأمین گردد. در ساختمان این مجتمع لوله‌هایی که واحدها را بهم مربوط می‌کند متجاوز از ۷۰۰۰۰ متر طول

دارد. و مجتمع علاوه بر واحدهای مختلف دارای آزمایشگاه مجهزی است که وسایل تجزیه بطرق مختلف و با روشهای جدید در آن فراهم شده است و نیز یک کارگاه تعمیرات دارد که به انواع ماشین‌های تراش و دیگر وسایل کار مجهز می‌باشد. زمینی که مجتمع در آن واقع شده در غرب پالایشگاه آبادان قرار دارد و مساحتی در حدود ۲۵۰۰۰۰ متر را شامل است و دستمزد حقوق کارگران در مدت ساختمان بالغ بر دو بیست میلیون ریال شده است. مجتمع طوری طراحی شده که در فضای آن میتوان آن را به دو برابر رسانید و در حدود یکصد نفر از کارمندان دیپلمه مجتمع در حدود نه ماه در پالایشگاه آبادان در رشته‌های مختلف کارآموزی نموده‌اند. خانه‌های شرکت به تدریج از بهمن ۴۷ تکمیل شده و مورد استفاده قرار گرفته است. بودجه کل این پروژه بدون در نظر گرفتن هزینه شالوده‌ها و قسمتی از سرویس‌های موجود و بهای زمین در حدود ۷۵۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است. برق مجتمع از سازمان آب و برق خوزستان است و فاضل آب آن به شبکه اصلی فاضل آب تأسیسات نفت می‌ریزد (۲۵۵).

اولین قرارداد فروش پلاستیک پی.وی.سی. روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۴۸ بین شرکت سهامی پتروشیمی آبادان و شرکت سهامی «پلاستیکوکار» امضاء گردید. این ماده در تهیه انواع کفش و ورق‌های پلاستیکی، مشمع، کف‌پوش، لوله‌های نرم و سخت، انواع بطری، پروفیل و غیره بکار می‌رود (۲۵۶).

و اما واحد پتروشیمی خارك، بزرگترین واحد تمام خودکار صنعتی ایران است که برای ایجاد آن ۴۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری شده و فقط ۷۰ نفر کارگر و ۴۰ نفر مهندس در آن کار می‌کنند. عملیات

۲۵۵ - کیهان ۷۸۷۲، ۴۸۷۲۳. اختلافی که در برخی از ارقام این گزارش‌ها دیده می‌شود محتملاً مربوط به دوره‌های مختلف پیش‌بینی و اجرای طرح است که زیاده و نقصان را ایجاد می‌کرده است.

ساختمانی این مجتمع از سال ۱۳۴۴ آغاز گشت. طرحهای مربوط به واحد خارك و آبادان با نظارت شرکت ملی پتروشیمی و شرکای خارجی به مرحله اجرا درآمد. و تمام ماشین آلات و لوازم آزمایشگاههای مورد نیاز از اروپا و آمریکا خریداری و به ایران حمل گردیده است.

کارخانه پتروشیمی خارك در قطعی زمینی به وسعت ۳۲ هکتار بوجود آمده و ساختمان آن را يك شرکت ساختمانی ژاپنی به عهده داشته و نصب ماشین آلات را کارشناسان آمریکائی انجام داده اند. سرمایه کارخانه پتروشیمی خارك به نسبت ۵۰-۵۰ از طرف شرکت ملی صنایع پتروشیمی و يك شرکت آمریکائی تأمین شده است. مواد اولیه هر دو کارخانه پتروشیمی آبادان و خارك از گازهای نفت جنوب که تاکنون بهدر می رفت تأمین می گردد (۲۵۷).

این واحد در آغاز کار روزانه ۶۰۰ تن گوگرد و ۵۰۰۰ بشکه گاز مایع و ۲۰۰۰ بشکه نفت سفید تولید می کرد. در این کارخانه دستگاه عظیمی برای شیرین کردن آب دریا نصب شده است. عده کارشناس خارجی آن در آغاز کار هفده نفر بود و قرار بود که بزودی به پنج نفر تقلیل یابد. برای فروش گاز مایع تولیدی این کارخانه در تاریخ دوشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۴۷ قراردادی با دولت ژاپن منعقد شده است و در نتیجه تقریباً کلیه تولیدات گاز مایع در اختیار آن کشور قرار گرفته است. گفته شده است که درآمد فروش تولیدات کارخانه خارك می تواند سرمایه گذاری مربوط به این واحد را در ظرف پنج سال مستهلك سازد. برای امضای قرارداد فروش گاز مایع به ژاپنی ها، نمایندگان بزرگ کمپانی بزرگ ژاپنی به ریاست کاتو مدیرعامل شرکت سهامی «ایده-میتسو کوزان» به تهران آمدند و برای دیدار از تأسیسات واحد شیمیائی خارك به جزیره خارك رفتند و قرار شد که تحویل گاز مایع از شهریور ۴۹ شروع شود و البته این کار همواره بوسیله کشتی های مخصوص گاز

مایع مجهز به دستگاههای سردکننده صورت خواهد گرفت (۲۵۸).
شاه لوله گاز و لوله سازی اهواز:

استفاده از گاز مناطق نفتی منحصر به صنایع پتروشیمی نیست بلکه طرح عظیمی در دست اجراست که آن ماده را در داخله ایران توزیع کنند و تا سرحد شوروی و ایران برسانند. برای این کار نخستین عملیات ساختمانی کارخانه های لوله سازی اهواز در روز پنجشنبه دوم بهمن ۱۳۴۵ آغاز گردید و روز ۱۲ آذر ۱۳۴۶ کارخانه های مزبور افتتاح شد. برای ساختن لوله قراردادی با يك شرکت آمریکائی بنام «تورنس» در شهریور ۴۶ به مبلغ ۱۳۵ میلیون دلار بسته شد و شرکت مزبور متعهد گردید دو کارخانه برای ساختن لوله های به قطر ۶ تا ۱۶ اینچ و ۱۸ تا ۴۲ اینچ در اهواز نصب و تحویل نماید. طرح شاه لوله گاز مجموعه ای است از ده پروژه عظیم و طول تقریبی شاه لوله گاز از جنوب به آستارا در حدود ۱۲۰۰ کیلومتر است و جمع خطوط فرعی برای رسیدن گاز به شهرهای شیراز و اصفهان و کاشان و قم و طهران در حدود ۴۹۰ کیلومتر می باشد. ظرفیت حمل لوله برای تحویل گاز به شوروی و مصرف داخلی حداکثر ۱۶ میلیارد مترمکعب در سال می باشد که ده میلیارد مترمکعب آن تحویل شوروی خواهد شد و بقیه برای تأمین نیروی خطوط مصارف داخلی بکار خواهد رفت. کلیه بودجه این طرح توسط سازمان برنامه پیش بینی و تا پایان مرحله دوم طرح ۵۵۰ میلیون دلار مجموع سرمایه گذاری برای خطوط اصلی و تلمبه خانه و تصفیه خانه گاز برآورد شده بود... نتیجه اجرای طرح شاه لوله علاوه بر صدور گاز به روسیه و تأمین مخارج کارخانه ذوب آهن و ماشین سازی، تأمین احتیاجات داخلی است (۲۵۹). از خطوط فرعی رسانیدن گاز به شهرهای داخلی نخست شبکه گاز شیراز در هفته آخر سال ۱۳۴۶ افتتاح شد. در این شبکه، گاز پس از تصفیه بوسیله

لوله‌ای به قطر چهل و دو اینچ تا ساوه و از اینجا توسط لوله‌ای به قطر چهل اینچ تا آستارا انتقال داده می‌شود... بعلاوه خط لوله‌ای به قطر ده اینچ مقداری از گازهای میدان گچساران را به شیراز می‌رساند. هدف این طرح، گازرسانی به کارخانه کود شیمیائی شیراز و سایر صنایع و مصارف تجارتي و خانگی این شهر است (۲۶+). در مراسم افتتاحیه شاه‌لوله مزبور گزارش شد که: مرحله اول عملیات ساختمانی و کارهای جزئی شاه‌لوله گاز در تاریخ دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۴۶ مطابق ۴ دسامبر ۱۹۶۷ آغاز شد... ظرفیت حمل آن در مرحله اول اجرا بالغ بر ۸ میلیارد مترمکعب در سال است که ۶ میلیارد آن تحویل اتحاد جماهیر شوروی [خواهد شد] و بقیه برای مصارف داخلی کشور بکار خواهد رفت. این ظرفیت پس از اجرای عملیات مرحله دوم بالغ بر ۱۶ میلیارد مترمکعب در سال خواهد شد که ده میلیارد آن به شوروی داده خواهد شد. گاز طبیعی که همواره با استخراج نفت خام از مخازن نفتی «آغاچاری» و «مارون» بدست می‌آید وارد دستگاه بازیافت گاز مایع شده پس از جدا شدن هیدروکربن‌های سنگین توسط کمپرسورهای سیستم شاه لوله فشرده شده به مرکز تصفیه گاز در «بیدبلند» می‌رسد. گاز مایع بدست آمده توسط دستگاههای جداگانه‌ای به بندر ماه شهر منتقل و صادر می‌گردد. گاز طبیعی تصفیه شده از بیدبلند تا آستارا در سیستم ۱۰ ایستگاه تا فشار آن تا حدود اتمسفر تقویت شده به مرکز توزیع در ایران و شوروی حمل می‌گردد...

کلیه کارهای طراحی و مهندسی برای خطوط لوله از جنوب تا کوه نمک نزدیک ساوه و خطوط فرعی شیراز - اصفهان و قم و کاشان و تراجه و طراحی ایستگاههای تقویت فشار در سیستم جمع‌آوری و قسمتی از کارهای ایستگاههای تقویت فشار در خطوط اصلی توسط مهندسين مشاور آیمگ انجام گردیده است.

کارهای اجرائی قطعه اول تا کوه نمک در ۱۴۲۳ کیلومتر اول

۲۶۰ - کیهان ۷۳۹۳، ۲۹/۱۲/۴۶.

در سیستم جمع‌آوری گاز توسط شرکت ویلیام برادرز آلمان و شرکت نیل پرایس آمریکا انجام گرفته است.

۶۱۹ کیلومتر خط لوله از پالایشگاه بیدبلند تا کوه نمک توسط شرکت ویلیام برادرز انگلیسی و شرکت انترپوز فرانسه ساخته شده است.

و نیز نصب ۶۳۱ کیلومتر خطوط فرعی و آب‌رسانی و نصب هشت واحد کمپرسور ساخت فرانسه جمعاً به قدرت ۴۸۰۰ اسب سیستم جمع‌آوری گاز توسط شرکت انترپوز فرانسه صورت گرفته است. پالایشگاه بیدبلند که برای تصفیه گاز احداث گردیده است با ۵ واحد تصفیه هر کدام به ظرفیت ۳۴ میلیارد مترمکعب گاز در سال و دیگر متفرعات آن، در نوع خود یکی از بزرگترین پالایشگاههای جهان محسوب می‌شود. این پالایشگاه توسط مؤسسه پریچارد امریکا و تحت مسئولیت مهندسين مشاور آیمگ طراحی و توسط شرکت کاسین پارس انگلیسی نصب شده است. این پیمانکار همچنین نصب سه واحد کمپرسور ساخت انگلیس جمعاً به قدرت ۲۶۱۰۰ اسب در پالایشگاه بیدبلند را عهده‌دار بوده است.

کارهای ساختمانی و متفرعات مراکز تقویت فشار در ایستگاه ۷۵ و ۳۰۱ خط اصلی توسط شرکت مانسمان با همکاری پیمان کاران ایرانی انجام یافته است.

کارهای طراحی و مهندسی و عملیات ساختمانی قطعه دوم طرح از کوه نمک تا آستارا شامل ۴۸۷ کیلومتر خط ۴۰ اینچی و ۱۱۲ کیلومتر خط ۳۰ اینچی فرعی تهران توسط گروه شوروی با همکاری پیمانکار ایرانی انجام شده است. ضمناً در مرحله اول طرح ۱۵ واحد توربو کمپرسور ساخت شوروی جمعاً به قدرت ۱۷۱۰۰۰ اسب توسط این گروه نصب گردیده است و در مرحله دوم طرح نیز تعداد ۱۹ واحد دیگر توربو کمپرسور ساخت شوروی اضافه خواهد شد و جمع قدرت در سیستم جمع‌آوری و طول خط اصلی بالغ بر ۵۳۸۰۰۰ اسب خواهد گردید.

با تکمیل طرح شاه لوله گاز بهره‌برداری از منابع عظیم گاز ایران که در خاورمیانه مقام اول را دارد و اکنون روزانه در حدود شش میلیون متر مکعب از این گاز ضمن استخراج نفت بدست می‌آید، میسر خواهد گردید. پس از تکمیل این شاه لوله در سال ۱۹۷۰ قرار بود روزانه حدود ۱۸ میلیون متر مکعب گاز به شوروی صادر شود و این مقدار بعداً تا سی میلیون متر مکعب در روز افزایش خواهد یافت و روزانه بیش از ۵۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی نیز می‌توان به شهرهای اصفهان و شیراز و طهران توزیع نمود. لوله گاز که از مناطق نفت‌خیز جنوب کشیده می‌شود... در طهران به سه شاخه تقسیم می‌شود: شاخه اول بطرف کرج و مناطق صنعتی می‌رود تا سوخت کارخانه‌های جاده کرج را برساند. شاخه دوم بطرف نیروگاه فرح‌آباد کشیده می‌شود و شاخه سوم به طرف طهران پارس تا کارخانه‌هایی را که در این محدوده قرار دارد سوخت بدهد... در طهران شش ایستگاه گاز برای ذخیره پیش‌بینی شده است که از این ایستگاهها گاز به خانه‌ها داده شود... براساس طرح جامع، کرج، دربند و قصر فیروزه و شهر ری از شبکه لوله‌کشی گاز استفاده خواهند کرد. توزیع داخلی بوسیله شاه لوله گاز بعداً تا ۱۸ میلیون متر مکعب در روز افزایش داده خواهد شد (۲۶۳). قابل توجه است که در برآورد هزینه پروژه لوله‌گاز سرتاسری بجای ۳۲۰ میلیون دلار که قبلاً پیش‌بینی می‌شد، بیش از ۱۸۰ میلیون دلار تفاوت حاصل شده است. «... معلوم می‌شود که محاسبات اولیه مشاوران و یا شرکای خارجی ما صحیح نبوده...» (۲۶۴) و این

۲۶۳- کیهان ۷۶۹۸، ۲۹، ۱۲، ۲۹، ۴۷.

۲۶۴- کیهان ۷۶۹۹، ۱۴، ۱۸، ۴۸. (با استفاده از پیام نوروزی در موقع تحویل سال ۱۳۴۸). تا روز پنجشنبه ۲۸ دیماه ۴۶ بهره‌برداری از شبکه گاز شیراز آغاز گردید... شبکه موجود می‌تواند احتیاجات تا ۶۰۰۰ مشترک را تأمین نماید. جمع هزینه این طرح بدون در نظر گرفتن هزینه‌های انجام شده قبلی مربوط به خطوط اصلی و تأسیسات دروازه ورودی شیراز، در حدود ۲۵۰۰۰۰۰ ریال شده است. روستای

دنباله پاورقی در صفحه بعد

هزینه کلی طرح شاه‌لوله گاز در حدود ۷۰۰ میلیون دلار برآورد شده است که تا موقع افتتاح ۴۵۸ میلیون دلار آن به‌صرف رسیده بود. در تاریخ ۶ آبان ۴۹ اجازه بهره‌برداری از این طرح صادر گشت (۲۶۱). سیستم مخابرات شاه‌لوله گاز یکی از جدیدترین شبکه‌های مخابراتی است که ارتباط لازم را برای کنترل این سیستم عظیم از شمال تا جنوب میسر می‌سازد و توسط شرکت (سی.اس.اف) فرانسه طراحی و ساخته و نصب شده است. این سیستم شامل ۵۰ ایستگاه مخابراتی از نوع میکروویو بوده و دارای ۳۰۰ کانال قابل افزایش به ۶۰۰ کانال می‌باشد. همچنین در امتداد شبکه فوق یک سیستم مخابراتی از نوع وی.اچ.اف. بمنظور تعمیرات و نگهداری خط احداث شده است. شاه لوله گاز ایران در حال حاضر با این خصوصیات یکی از بزرگترین خط لوله گاز جهان به‌شمار می‌رود. مرحله دوم اجرائی طرح شاه لوله گاز قرار بود تا سال ۱۳۵۳ ادامه یابد و نیز قرار بود بمنظور توسعه این تأسیسات، قدرت تأسیسات گاز گچساران تا حدود چهارصد میلیون متر مکعب در سال رسانیده شود. بعلاوه بموازات طرح شاه لوله گاز لوله‌ای به قطر ۱۶ اینچ احداث خواهد شد که گاز تصفیه شده را مستقیماً از شاه لوله گاز گرفته به منطقه شیراز انتقال دهد (۲۶۲). از مجموع طرح مزبور تا هفت سال بعد ۱۷۳ کیلومتر از ساختمان خط لوله ۴۲ اینچی در نقاط صعب‌العبور جبال زاگرس، و ۷۰ کیلومتر بعد از جبال زاگرس انجام گرفت. یکصد و سی کیلومتر خط لوله جمع‌آوری گاز هم در مناطق آغاچاری و مارون و ۴۳ کیلومتر از خط لوله اصلی این قسمت هم ساخته شد. همچنین ۷۰ کیلومتر از لوله ۴۰ اینچی نصب گردید و خط لوله فرعی شش اینچی سراج به کوه نمک و لوله فرعی کاشان هم به‌تمام رسید. ساختمان سه‌ایستگاه کمپرسور شامل هشت دستگاه کمپرسور جمع‌آوری گاز در آغاچاری شروع شد و مقدمات ایجاد تصفیه‌خانه گاز «بید بلند» هم فراهم گردید.

۲۶۱- کیهان ۱۱۸۴، ۱۱، ۲۶، ۴۹.

۲۶۲- کیهان ۷۳۹۳، ۲۹، ۱۲، ۴۶.

اشتباه چه عمدی باشد و چه سهوی موجب تأسف است، زیرا اگر سهوی باشد آیا دلیل بر بی‌دقتی و ضعف علمی نیست و اگر عمدی باشد دلیل بر کمی حسن نیت وای دریغ که بارگران بردوش ملت ایران است. همچنین است پروژه پتروشیمی شاهپور [بندر امام خمینی] که بجای ۱۶۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده قبلی برای ما شاید ۲۶۰ میلیون دلار تمام می‌شود. مگر آنکه این تفاوتها ناشی از نوسان قیمت‌های بین‌المللی مصالح و خدمات باشد که نتوان آن را قبلاً پیش‌بینی کرد.

طرح گازرسانی به شهرهایی هم که در مسیر شاه‌لوله گاز قرارداد تهیه گردیده و اجرای آن آغاز شده است. علاوه بر طرح آزمایش گاز-رسانی شیراز (۲۶۵) که جهت تأمین مصارف خانگی و تجاری اجرا شده و طرح گازرسانی روستای «گویم» واقع در ۲۲ کیلومتری شیراز که در سال ۱۳۴۶ تکمیل گردید. طرح گازرسانی اهواز برای مصارف صنعتی و تجاری و خانگی نیز در دست اجراست و مطالعات لازم برای استفاده از گاز سرخس در شهر مشهد به‌انجام رسیده است (۲۶۶). ساختمان شاه‌لوله گاز ایران در اوایل تیرماه ۴۹ پایان یافت و به‌قیمت ۷۵۰ میلیون دلار تمام شد و آزمایش آن آغاز گشت... این خط لوله را همچنان که ذکر شد، قسمتی روسها و قسمتی را یک کنسر سیوم از شرکتهای انگلیسی و آلمانی و فرانسوی و آمریکائی ساخته‌اند... لوله ایران ۲۰۰ میلیون فوت مکعب گاز ظرفیت دارد که ۱/۳ آن در داخل مصرف خواهد شد و بقیه به‌شوروی

بقیه پاورقی از صفحه قبل

گویم در مسیر خط لوله گچساران - شیراز نخستین منطقه ایران است که بطور نمونه از گاز برای اماکن عمومی از قبیل حمام - دبستان - آسیا و همچنین چند منزل شخصی استفاده می‌نمایند. مولد برق این دهکده که دارای قدرتی معادل ۱۵۰ کیلووات است بوسیله گاز بطور خودکار روشنائی محل را تأمین می‌نماید.

۲۶۵- اطلاعات ۱۲۴۹۲، ۱۲۴۹۲، ۰۴۶۱۱۲

۲۶۶- کیهان ۷۶۹۸۱، ۷۶۹۸۱، ۰۴۷۱۲۲۹

صادر خواهد گشت (۲۶۷). اجرای این طرح در ۲۶ آذر ۴۶ از آغاز جاری آغاز شد... مبدأ شاه‌لوله گاز، تصفیه‌خانه بیدبلند در خوزستان است و گاز با ۹۷ متر لوله‌گذاری به تصفیه‌خانه بیدبلند و سپس با یک لوله ۴۳ اینچی که ۱۱۰۶ کیلومتر طول دارد به مرز شوروی می‌رسد... در این لوله در مرحله اول روزانه ۶۳۰ میلیون فوت مکعب گاز جریان می‌یابد که حدود ۲۰۰ میلیون فوت مکعب (حدود ۶ میلیون متر مکعب) آن در شهرهای داخل کشور به‌مصرف می‌رسد و بقیه آن در اختیار شوروی قرار می‌گیرد. برای تعیین مقدار گازی که به شوروی فرستاده می‌شود ایستگاه کنترل گاز در «قنبر محله» آستارا احداث شده است... برای ایجاد فشار جهت انتقال گاز مایع چهار کمپرسور در پاتاوه (محللی بین قم و ساوه)، اصفهان، قم و قزوین نصب شده است و قرار است برای تقویت این کمپرسورها چهار کمپرسور دیگر نیز در پاتاوه اصفهان، قم و رشت نصب شود... و نیز قرار است یک لوله از شاه‌لوله گاز منشعب شود و به شهرهای آذربایجان کشیده شود... (۲۶۸) بر طبق برآورد کارشناسان درآمد حاصل از فروش گاز بوسیله این لوله در ده سال اول به ۸۸۰ میلیون دلار بالغ خواهد شد (اگر مانند برآورد مخارجش نباشد) که ۷۰ درصد آن از فروش گاز به شوروی و ۳۰ درصد بقیه از فروش گاز در داخل کشور عاید خواهد شد. حدس زده شده است که موجودی گاز ایران می‌تواند یک تا دو قرن ادامه یابد (۲۶۹).

خطوط لوله نفت خارج از مناطق نفتی :

نظر به وسعت ایران رسانیدن نفت به نواحی مختلف کشور بوسیله نفتکش‌ها و یا مخازن راه آهن امری دشوار و گران و دور از صرفه

۲۶۷- کیهان ۸۰۷۹، ۰۴۹۴۴

۲۶۸- کیهان ۸۰۷۵، ۰۴۹۳۳۱

۲۶۹- کیهان ۸۰۵۴، ۰۴۹۳۳۶. بدون قسمت داخل پرائتر.

صادراتی استفاده می‌شود. از اینرو ایجاد يك پالایشگاه دیگر لازم بنظر رسید و با در نظر گرفتن اینکه مصرف عمده فرآورده‌های نفتی در تهران و شهرستانهای شمالی کشور است احداث پالایشگاههای تازه در مرکز بازار مصرف از لحاظ تقلیل هزینه حمل و نقل مقرون به صرفه تشخیص داده و تصمیم گرفته شد که در تهران ساخته شود بخصوص که عوامل ذیل نیز این تشخیص را تأیید می‌نمود:

۱- نزدیک بودن به تأسیسات انباری که دارای مخازن کافی برای دریافت و ذخیره محصولات پالایشگاه باشد.

۲- وجود اراضی وسیع و ارزان و مناسب جهت تأسیسات فعلی و توسعه آن در آینده.

۳- متناسب بودن جهت باد در این ناحیه از لحاظ جلوگیری از آلودگی هوای مسکونی.

۴- نزدیک بودن به راه آهن و شاهراه ارتباطی شهرستانهای مجاور به این جهت انتخاب محل قطعی شد و در روز دوم ابان ۱۳۴۴ نخستین کلنگ ساختمان آن زده شد و بلافاصله کار ساختمان پالایشگاه آغاز گردید. این ساختمان بوسیله يك گروه آلمانی مرکب از سه شرکت ساختمانی و شرکت فلور آمریکائی نظارت و راهنمایی و انجام شده است و کارهای ساختمانی و طراحی پالایشگاه بوسیله و تحت نظارت شرکت فلور انترناشنال انجام گرفته است. هزینه تأسیسات پالایشگاه تهران جمعاً بالغ بر ۶۶۳۳ میلیون ریال شده است و ظرفیت آن ۸۵۰۰۰ بشکه در روز و یا پنج میلیون متر مکعب در سال می‌باشد. نفت خام مورد احتیاج پالایشگاه تهران بوسیله يك خط لوله ۱۶ اینچی بطول ۷۵۰ کیلومتر از منابع نفت اهواز تأمین می‌گردد. با وجود این پالایشگاه و پالایشگاه آبادان و پالایشگاه کرمانشاه قرار بود از سال ۱۹۷۰ میلادی توسعه یابد. در نظر بوده است که پالایشگاهی هم بظرفیت ۴۰۰۰۰ بشکه در روز (۲۳۵ میلیون متر مکعب در سال) در شیراز احداث گردد. در پالایشگاه تهران

است، بهترین چاره بخصوص از نظر اقتصادی، احداث خطوط لوله نفت است. از اینرو ابتدا برای تأمین مصرف آذربایجان قرار است خط لوله نفتی بطول ۶۳۸ کیلومتر از شهرری به تبریز احداث شود. خط لوله‌ای هم برای مناطق شاهرود - گرگان - گنبد کاوس بطول ۶۷ کیلومتر در نظر گرفته شده که ابتدا از شاهرود تا علی‌آباد کشیده خواهد شد و از آن نقطه دو انشعاب بطول ۸۸ کیلومتر به گرگان و گنبد امتداد خواهد یافت. خطی هم بطول ۲۵۰ کیلومتر جهت انتقال نفت خام گچساران - شیراز احداث خواهد شد و نیز خط لوله نفت شاه کرمانشاه [باختران] به طول ۲۴۰ کیلومتر (۲۷۰).

طرح مربوط به احداث يك خط لوله از مناطق نفتی ایران به دریای مدیترانه مورد مطالعه کمیته نفت و پتروشیمی سازمان عمران منطقه‌ای قرار گرفته است. این خط اگر احداث شود دوهزار کیلومتر طول خواهد داشت و در نوع خود درازترین خط لوله نفت جهان خواهد بود و ۱۱۰۰ کیلومتر آن در ایران و ۹۰۰ کیلومتر در خاک ترکیه کشیده خواهد شد. هزینه این طرح بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون برآورد شده است و کارشناسان ایران و ترکیه مطالعات اولیه خود را در مورد ایجاد این خط انجام داده‌اند (۲۷۱).

پالایشگاه تهران :

تا قبل از تأسیس این پالایشگاه احتیاجات نفتی کشور از دو پالایشگاه تأمین می‌شد. یکی پالایشگاه کرمان شاه با ظرفیت ۸۰۰۰۰ بشکه در روز و یا ۴۶۰۰۰۰ متر مکعب در سال که نفت خام ناحیه نفت شاه را تصفیه میکرد و فرآورده‌های آن در استانهای غرب و شمال غربی بمصرف می‌رسید. دیگر پالایشگاه آبادان که از قسمت اعظم ظرفیت آن جهت تهیه محصولات

۲۷۰- کیهان ۷۶۸۸، ۱۰/۱۲/۴۷.

۲۷۱- کیهان ۷۶۹۴، ۲۵/۱۲/۴۷ و نیز کتاب نفت و دولت در خاورمیانه ص ۴۴۶-۴۴۸.

علاوه بر دستگاههای تقطیر و تصفیه دیکهای بخار و ژنراتورهای برق، تأسیسات دیگری از قبیل برج خنک کننده آب، حوضچه‌های جدا کننده نفت از آب، آزمایشگاه، کارگاه تعمیرات، انبارهای کالا، سرویس آتش-نشانی، درمانگاه، فاضل آب و غیره برای تأمین کلیه احتیاجات ساخته شده است. آب لازم برای پالایشگاه که در حدود چهار میلیون متر مکعب در سال است توسط دو خط لوله ۵۰ سانتیمتری و ۴۰ سانتیمتری به ترتیب از سد امیرکبیر (کرج) و سد فرح‌ناز (لنجان) تأمین می‌گردد. آب مصرفی دیکهای بخار از نظر فنی بوسیله دستگاههای صنعتی به ظرفیت تقریبی ۴۰ میلیون لیتر در روز در سه مرحله به ترتیب با آب آهک و اکسید منیزیم - صافی‌های انتراسیت و صافی‌های زئولیت تصفیه می‌گردد.

برق پالایشگاه توسط سه تور بوژنراتور به ظرفیت کلی ۲۱۶۰۰ کیلووات تأمین می‌گردد. برق تولیدی با ولتاژ ۶۳۰۰ ولت بوسیله شبکه توزیع زیرزمینی به ۹ مرکز برق منتقل می‌گردد. در مراکز فرعی، فشار برق توسط ترانسفورماتورها به ۳۸۰ و ۲۲۰ ولت تقلیل یافته بمصرف موتورها و روشنائی و غیره می‌رسد. و تعدادی از موتورهای بزرگ نیز با همان فشار ۶۳۰۰ ولت بکار می‌افتد.

در این پالایشگاه جمعاً ۲۴۳ نفر کارمند و ۳۶۳ نفر کارگر بکار اشتغال یافتند. تعداد کارکنان خارجی آن ۱۵ نفر بودند که ۱۲ نفر آنها شش ماه پس از شروع کار و سه نفر دیگر پس از دو سال می‌بایست از خدمت شرکت خارج شوند. یک سلسله برنامه‌های آموزش علمی و عملی هم برای کارکنان پالایشگاه و دانشجویانی که دوران کارآموزی خود را در پالایشگاه تهران می‌گذراند در نظر گرفته‌اند که بموقع خود اجرا می‌شود.

فرآورده‌های اصلی پالایشگاه طهران عبارتست از:

۱- گاز مایع بمیزان ده‌هزار بشکه در روز

۲- بنزین موتور ۱۳۷۰۰۰ بشکه در روز

۳- سوخت جت ۶۴۰۰۰ بشکه در روز

۴- نفت سفید ۱۵۸۰۰۰ بشکه در روز

۵- نفت گاز ۱۹۰۰۰۰ بشکه در روز

۶- نفت کوره ۲۶۰۰۰۰ بشکه در روز

۷- آسفالت ۱۲۰۰۰ بشکه در روز

علاوه بر محصولات فوق پالایشگاه قادر است سالیانه در حدود ۵۵۰۰۰ تن ماده خام روغن موتور و ۱۴۰۰۰۰ تن گوگرد بمصرف کنندگان داخلی عرضه نماید.

دستگاههای مختلف پالایشگاه عبارتست از:

۱- دستگاه تقطیر نفت خام در فشار اتمسفر (۲۷۲)

۲- دستگاه تقطیر نفت خام در خلا (۲۷۳)

۳- دستگاه تبدیل کاتالیستی (۲۷۴)

۴- دستگاه آیزوماکس (۲۷۵)

۵- دستگاه غلظت شکن (۲۷۶)

۶- تهیه گاز مایع (۲۷۷)

۲۷۲- اولین مرحله پالایش نفت خام که شرح آن را باید در کتب علمی دید از حوصله این رساله خارج است. این دستگاه بوسیله شرکت فلور انترناشنال طراحی و ساخته شده است.

۲۷۳- دومین مرحله تقطیر نفت، برای جدا کردن محصولات نفتی سنگین. این دستگاه را نیز همان شرکت طراحی نموده و ساخته است.

۲۷۴- این دستگاه شامل دو قسمت است، الف، برای تصفیه بنزین با هیپروژن، ب، پلاتفورمر برای بالا بردن درجه اکتان.

۲۷۵- برای تبدیل نفت گاز موم‌دار به مواد ارزنده‌تر.

۲۷۶- تبدیل یک نوع نفت سنگین یا قیر نرم به نفت کوره. در این دستگاه صورت می‌گیرد. این دستگاه بوسیله شرکت اویل پرودوکتس طراحی و بوسیله شرکت فلور انترناشنال ساخته شده است.

۲۷۷- برای گرفتن گوگرد زیادی آن.

۷- دستگاه تصفیه گاز (۲۷۸)

۸- کارخانه تهیه هیدروژن (۲۷۹)

۹- مخازن (۲۸۰).

مشخصات تأسیسات اصلی پالایشگاه نیز بدینقرار است:

۱- تقطیر نفت خام در فشار اتمسفر ۸۵۰۰۰ بشکه در روز

۲- تقطیر در خلأ ۴۰۰۰۰ بشکه در روز

۳- تصفیه نفت با هیدروژن ۱۰۵۰۰ بشکه در روز

۴- پلاتفورمر ۲۵۰۰ بشکه در روز

۵- آیزوماکس ۱۴۴۰۰ بشکه در روز

۶- غلظت شکن ۱۶۰۰۰ بشکه در روز

۷- تهیه گاز مایع ۵۰۰۰۰ بشکه در روز

۸- تصفیه نفت سفید ۳۵۰۰ بشکه در روز

۹- تصفیه بنزین با سود سوزآور ۶۰۰۰ بشکه در روز

۱۰- تهیه قیر ۱۲۰۰ بشکه در روز

۱۱- تهیه هیدروژن ۳۰ میلیون فوت مکعب در روز

۱۲- تصفیه نیتروژن از آزت ۱۰۴۴۰۰۰ فوت مکعب در روز

۱۳- تصفیه گاز ۱۰۰۰۰۰۰ فوت مکعب در روز

۱۴- بازیافت گوگرد ۴۰ تن در روز

۲۷۸- برای جدا کردن گوگرد از گازهای نفتی.

۲۷۹- برای تأمین هیدروژن مورد احتیاج دستگاه آیزوماکس.

۲۰۸- جمعاً ۶۱ مخزن به ظرفیت ۴۱۰۰۰۰ متر مکعب برای ذخیره کردن نفت خام و سایر مایعات و مواد شیمیائی که شرح تفصیلی هریک را باید در اصل مدرک مورد استفاده (کیهان ۷۴۴۳، ۴۷۲۳۱) یا از آن بهتر کتب علمی مربوط به صنعت نفت دید.

۱۵- تصفیه آب صنعتی ۴۵۰۰۰۰ لیتر در روز

۱۶- دیکهای بخار ۹۶۰۰۰۰ پوند در ساعت

۱۷- ژنراتورهای برق ۲۱۶۰۰ کیلووات

طرح احداث چند پالایشگاه دیگر و توسعه پالایشگاه کرمانشاه [باختران]:

علاوه بر پالایشگاههای موجود، مسئله ایجاد دو پالایشگاه نفت در استانهای خراسان و آذربایجان مورد توجه قرار گرفته است و مطالعاتی در این زمینه جریان دارد و مقدمات تأسیس چهارمین پالایشگاه کشور هم در شیراز فراهم و انجام شد. این پالایشگاه تقریباً به ظرفیت چهار هزار بشکه در روز در نظر گرفته شده بود و در ضمن روزانه تقریباً هزار بشکه آسفالت سبک نیز در آن ساخته می شود و فرآورده های دیگر آن عبارت است از گاز مایع، بنزین معمولی، بنزین عالی، سوخت جت، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، قیر و گوگرد (۲۸۱).

بمنظور توسعه پالایشگاه کرمانشاه نیز قریه ۵۰۰ نفری شاطرآباد واقع در چهار کیلومتری کرمانشاه تخلیه و تخریب خانه های آن انجام شده است تا مقدمات ایجاد پالایشگاه و تصفیه خانه جدید کرمانشاه در آن فراهم گردد. قرار بود تأسیسات پالایشگاه جدید نفت کرمانشاه بوسیله شرکت هلندی کنتینانتال اینجی نیرینگ احداث شود و مدت اجرای قرارداد آن ۲۴ ماه در نظر گرفته شده بود اجرای قرارداد شامل عملیات مهندسی، مکانیکی دستگاهها، خرید و نصب و ساختمان دستگاههای پالایش، تولید نیرو و مخازن و وسایل بارگیری بود. مساحت زیربنای پالایشگاه ۵ کیلومتر مربع و فضای باز آن ۷ کیلومتر منظور شده بود. دستگاههای پالایش عبارتست از: دستگاه تقطیر نفت خام به ظرفیت ۱۵ هزار بشکه در روز، دستگاههای تصفیه بنزین موتور و نفت سفید با گاز هیدروژن و تبدیل با کاتالیست و دستگاههای تولید گاز مایع و شست و شوی بنزین (۲۸۱).

۲۸۱- کیهان ۷۳۹۳، ۲۹، ۱۲، ۴۶۰۰۰

۲۸۲- کیهان ۷۶۰۲، ۴، ۷، ۴۷۰۰۰